

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

بها ۲۵ ریال

دوشنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۸

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- اخباری از مبارزات دانش آموزی
- وزارت فرهنگ و هنر یا ...؟
- جین : سرکوب و سرمایه
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۸
- صفحه ۲۱
- صفحه ۱۵

نگاهی به رویدادهای اخیر تبریز

منظم تحلیل رویدادهای ، درهم پیچیده شده و به کسلاف سردرگمی تبدیل شود ، باز کردن این کلاف پیچیده ، شرط اصلی شناخت موقعیت و ویژه این خطه است تا بتواند کشتک و روشن سیاسی مناسب است و استقلال بیون کمونیست است .

نقشه : در صفحه ۲۰

حوادث و رویدادهای خونین روزهای گذشته تبریز ، که در ادامه حوادث پیش از آن در قم و تبریز ، بوقوع پیوست ، حکایت از جدت و گسترش روزافزون بحران سیاسی و پیچیدگی مبارزه طبقاتی در جامعه دارد . دخالت عوامل و عناصر متعدد در شکل گیری و تکوین این جریانها ، باعث شده است که رشته



- مبارزه کارگران بیکار کرج
- کارگران بیکار قزوین با تصرف ساختمانی ، خانه خود را برپا کردند
- جلوه ای از اتحاد کارگران - اراک
- در کارخانه دوزندگی ناظمی چه می گذرد ؟

صفحه ۳

« ویژه انتخابات ریاست جمهوری »

- حزب جمهوری اسلامی و کاندیدایش ...
- "قانون" و "امنیت" از نظر مدنی
- حبیبی : بورژوا لیبرال "مهاجر"
- در حاشیه انتخابات ریاست جمهوری

صفحه ۹



لنین رهبر و آموزگار بزرگ پرولتاریا
در قلب زحمتکشان جهان جاودانه است

۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه)
پنجاه و شصتین سالگرد مرگ لنین
آموزگار کبیر پرولتاریا است .
آموزگاری که زندگی قسمتی از
تاریخ مبارزات پرولتاریای
جهان است .



- گزارش از روستای "قرق"
- مبارزه دهقانان روستای جلیکان

صفحه ۷

خلق افشای اسناد رژیم سابق
را میخواهد ، آقای چمران
دستور نابودی آنها را میدهد

صفحه ۲۴

اعلامیه سازمان اخگر

(افغانستان - بخش هرات)

درباره کودتای اخیر

صفحه ۲۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقيه از صفحه اول

نکاهی به رویدادهای...

وقوع حوادث تیریز، علیرغم ویژگیهای محلی آن رابطه محکمی با سلسله حوادث و رویدادهای جاری کشور از اوژان ما به میکبرد. آنچه که امروزه در مقامی کل ایران و در صحنه سیاسی ستاوری میدهد، در مقامی کوچکتری در شیرینز منکس میکردد. و در این میان ویژگی شرایط و موقعیت این شهر و نیروهای موجود در آن، با ژبا این تحولات عمومی را با اهمیت بیشتری تصویر می کند. بصورتی که تیریز را به مرکز توجه رویدادهای کنونی تبدیل می نماید. به عبارت دیگر رویدادهای روزهای گذشته تیریز در خطوط کلی خود همچون آینه های چهره سیاسی ایران را در لحظات کنونی تصویر می نماید.

خصوصیات عمومی و کلی صحنه سیاسی ایران، در منظر از ویژگی مناطقی مختلف کشور، در تکیون رشد و گسترش روز افزون دوحربان عمده مجزا و در عین حال کاملاً مرتبط در کنار یکدیگر است.

بکم، نحلی ناراضی عمومی مردم از وضعیتی که چهل ساله سیاسی وجه انتظار اقتصادی، متاثر از سیاست ها و عملکردهای مستقیم هیئت حاکمه در طی ۱۵ ماه گذشته، برجامه عارض شده و آنها را مستقیماً تحت فشار قرار داده است. و اینجا و آنجا خیزش ها و جنبش های پراکنده و گاه چشمگیری راباعت شده است. شورش صبا دان انزلی، جنبش هندوانه، در تیریز، معادله زمین ها در روستاها توسط دهقانان، معادله آپا رشتان ها و خانه های سرمایه داران بزرگ در شهرها توسط زحمتکشان و... همه نمونه هایی از شکل گیری مادی این موج ناراضی و تبدیل آن بیک انفجار موعظی و لحظه ای است. و خاست وضع اقتصادی کشور، درهم پاشیدگی سیستم اقتصادی و اداری حاکم، خودکامی سیاسی رژیم و سرکوب تمایلات دموکراتیک توده ها، مقابله جوشی با خواستهای ملی خلقهای مناطق مختلف... به طور روز افزونی دا مندا این ناراضی را هر لحظه و هر روز افزایش می دهد و زمینه بروز تنش های سیاسی بنده را در مناطق مختلف ایران، هر چه بیشتر فراهم می سازد. این جریان ناراضی عمومی، که مضمونی عمیقاً انقلابی دارد، یکی از جریان های عمده و قابل تا کید صحنه سیاسی کشور است.

جریان دوم، که منظور مستقیم از جریان اول متاثر است، اوچگیری روز افزون تظاهرات های درون هیئت حاکمه و به تدار می رسیدن این تظاهرات در مقطع مشخصی است.

این تظاهرات، که سیستم حکومتی را بکلی آشفته کرده است، گرچه درجه را چوب جبهه ضد انقلاب و میسان نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی صورت می گیرد، اما در عین حال یک جریان مبارزه طبقاتی روشن و همه جا نشه را میان بخشهای متفاوت قدرت حاکمه با ماهیت گوناگون طبقاتی به نمایش می گذارد. معذالک با توجه به حقیقت طبقاتی و ماهیت سیاسی نیروهای درگیر این مبارزه طبقاتی، خلعت ارتجاعی و ضد انقلابی داشته و هدف قبیه کردن قدرت در دست این بآ آن نیروی سیاسی و طبقاتی زانینال میکند. این درکناری و متاثرات به طور عمده میان جناح خرده -

بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی هیئت حاکمه و دیگر بیلوکیهای قدرت طلب سیاسی، صورت می گیرد. رابطه مستقیمی با اوچگیری مبارزات خدامیرسا - لیستی و عدا رتجاعی توده ها، افزایش ناراضی آنها از وضع گسسته موجود... در دودرا متدا درشد آن بیشتر در من گرفته و چهره خویش را نمایان تر می سازد. بطوریکه موقعیت سیاسی کل هیئت حاکمه و حکومت را در مدنا پایا در ترو متزلزل تر میگرداند. رویدادهای چند روز گذشته تیریز، در برتو مسائل و واقعات فوق قابل تحلیل و بررسی است. در واقع دوحربان متنا بزرگ در تظاهرات و درگیری های ما هیئت متفاوت طبقاتی در وقوع این حوادث نقش اساسی ایفا کرده است.

در یک سوم موج ناراضی توده های زحمتکش تیریز از فشار اقتصادی - اجتماعی - سیاسی روز افزونی که هر روز بیشتر آنها را در شکنج فقر و محرومیت فرو می برد قرار دارد. این موج ناراضی در ماه های گذشته، در جنبش معروف سه هندوانه، جنبش گران و... به بوج چهره خویش را نمایان ساخت. در حرکت انقلابی توده های زحمتکش تیریز که البته در آن زمان هنوز دا منه محدودی داشت،

● دار و دسته خلق مسلمان به رهبری شریعتداری، به مثابه یک جریان ارتجاعی بورژوازی که تمایلات کاملاً آشکار و عیانی به امپریالیسم آمریکا دارد و بطور آشکار و نهان توسط آن تقویت و پشتیبانی می گردد، تلاش می کند تا تمایلات و خواست های عادلانه زحمتکشان تیریز را وجه معامله خواست های ارتجاعی خود در مقابل بابخشی از هیئت حاکمه (خرده بورژوازی مرفه سنتی) قرار دهد.

ناشی از رشتها در میان آنها و هیئت حاکمه ای بود که با اعمال سیاست های ضد انقلابی و ارتجاعی خود نقش اصلی را در تداوم و گسترش این فشارها بازی می نمود. این جنبش ها، در واقع بیانگر فرو ریختن محسوس اعتماد مردم زحمتکش تیریز نسبت به هیئت حاکمه و مقابله جوشی آشکار آنها با حکومت بود. این موج ناراضی، نه تنها فروکش ننمود، بلکه در امتداد افزایش این فشارها، رشد بحران اقتصادی - سیاسی و اجتماعی ما معده و شکست مفتضانه سیاست های رژیم در مقامی کشور بخصوص در کردستان، بتدریج روبه گسترش نهاد. آنچه که در شیرینزی می گذرد و حوادث اخیر آن در یک نگاه کلی، حاکی از وجود چنین موج ناراضی و روحیه اعتراضی نسبت به رژیم در میان مردم و بویژه توده های زحمتکش که به مرکز این رویدادهای گشته اند، می باشد.

گفته های این عنا مرز حمتکش، از نا با مانی های زندگی شان حکایت دارد. آنها از بیکاری، کمبود دستمزد، نا باسی ارزاق عمومی و سایر اختیارات و لیبونزدگی شکوه می کنند. از اجناسات حکومت، کمیتها و... می نالدند و خودکا مکی و خجلت ضد دموکراتیک هیئت حاکمه سخن میگویند. آنها آشکارا سرمایه داران را عامل بدبختی و فلاکت خود می دانند و حکومت را پشتیبان آنسان

می خوانند. آنها در این میان بدرستی عامل اصلی بدبختی و فلاکت خود را در وجود هیئت حاکمه جستجو می کنند، که غواسته و نواسته به خواسته های عادلانه آنها پاسخ گوید. این موج ناراضی، خلعتی کاملاً انقلابی و مترقی دارد و می تواند مینای رشد مبارزه طبقاتی در این منطقه از کشور، هما هنگ با دیگر مناطقی، قرار گیرد و بیک جنبش انقلابی عمومی تبدیل گردد. اما این تنها یکجا نب مسئله است. واقعتاً این است که علیرغم وجود این زمینه عینی اعتراض و حرکت سیاسی در میان مردم زحمتکش تیریز، این جنبش در روزهای اخیر بیک مجزای کاملاً انحرافی و خطرناک سوق داده شده، که منجر به بروز حوادث چند روز گذشته تیریز گردید.

فقر آگاهی در میان مردم تیریز، نبود بیک سازمان انقلابی و فراگیر که بتواند مبارزه انقلابی مردم تیریز را در جهت منافع اساسی جنبش انقلابی ایران سازمان دهد، مسئله تقلید و مرجعیت و بیال - غره وجود جنبش، نفوذ روجات شونستی و ناسیو - نالیسم بورژوازی نا ناشی از ویژگیهای ملی، فرهنگی مردم آذربایجان، سبب شد تا این ناراضی ها و اعتراضات کاملاً عادلانه، بوسیله یک نیروی بیافیت ارتجاعی با ماهیت بورژوازی بزعامت آیت الله شریعتداری و... به انحراف گشته اند و بیک مسیر انحرافی که کاملاً مغایر با اهداف و نیات واقعی مردم زحمتکش و توده های نا آگاه تیریز است، سبقت

دارد. در دسته خلق مسلمان به رهبری شریعتداری به مثابه یک جریان ارتجاعی بورژوازی که تمایلات کاملاً آشکار و عیانی به امپریالیسم آمریکا دارد و بطور آشکار و نهان توسط آن تقویت و پشتیبانی می گردد، تلاش می کند تا تمایلات و خواست های عادلانه زحمتکشان تیریز را وجه معامله خواست های ارتجاعی خود در مقامی از هیئت حاکمه (خرده بورژوازی مرفه سنتی) قرار دهد. این جریان بورژوازی، به خصوص با توجه به افشاکری های چندروزه اخیر توسط نیروهای مختلف، نیات پلید و واقعی آنها آشکار شده است. بدلیل وحشت آشکار از مبارزات ضد امپریالیستی و انقلابی مردم ایران، تلاش میکنند با برآه انداختن جریان انحرافی و ارتجاعی به نفع خواسته های خود گراش راست و ارتجاعی را در هیئت حاکمه هر چه بیشتر تقویت نماید و نیز در قدرت سیاسی مهمی بیشتری را بخود اختصاص دهد. این جناح که حتی از تمایلات و اقدامات در فرمیستی بخشی از هیئت حاکمه به رهبری آیت الله خمینی، نیز ناراضی است می گوشتد تا با چا دچنین حرکاتی در جا معه، این جناح را هر چه بیشتر به عقب نشینی وادارد.

آیت الله شریعتداری که دیگر چهره نا شناخته ای نیست! برچمچین مخالفتی را بر علیه بخشی از هیئت حاکمه بدست گرفته است. و با توجه به نفوذی که در میان مردم تیریز دارد، با سوء استفاده از زمینه مبارزاتی و حرکات اعتراضی مردم، این شهر را به صحنه پیشبرد سیاست های ضد انقلابی و ارتجاعی خویش تبدیل نمود. و حوادث چند روز گذشته را بوجود آورد.

بقیه در صفحه ۱۸

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

جلوهای از اتحاد کارگران اراک

کارخانه شمس: توطئه مفسد شراب‌بهدار و "دادستانی انقلاب" اراک!
بدنبال تشکیل شورای کارخانه ریستندگی و بافندگی "شمس" کارفرما که منافع خود را در خطر دیده بود، دست به توطئه زده و با نیابتی "دادستانی انقلاب" اراک تصمیم می‌گیرند که ۴ نفر از نمایندگان واقعی و کارگران مبارز را اخراج کنند تا بهترین‌ها را از اتحاد کارگران را سرکوب کرده و شورا را از هم بپاشند.

در همین رابطه در واسط دیماه، با صدور از "دادستانی انقلاب" به کارخانه پورس برده و ۴ کارگر مبارز و نمایندگان کارگران را گرفته و به کمیته می‌برند.

کارگران مبارز کارخانه شمس که از این اقدام ضدکارگری شدیداً ناراحت شده بودند دست به اعتصاب و تحسین یکبار چرخه در کارخانه می‌زنند که این عمل انقلابی کارگران دادستان را وادار به عقب‌نشینی می‌کند و همان شب کارگران دستگیرنده را با گرفتن نامه‌ای مبنی بر اینکه "انجام تحقیقات" حقیقتی رفتن به کارخانه ندارند، آزاد می‌کنند و کارگران مبارز "شمس" نیز تحسین خود را به اعتصاب تبدیل کرده و اعتصاب را بطور موقت ادا می‌دهند.

در طول اعتصاب بدنبال مذاکرات نمایندگان کارگران با دادستانی و آیدن دادستانی به کارخانه به کارگران قول می‌دهند که اگر اعتصاب خود را بشکنند ۲ روز آینده تحقیق انجام گرفته و اگر نمایندگان و کارگران دستگیر شده بیگناه تشخیص داده شوند، آزاد می‌شوند.

و کارگران سربازان یاری برای اینکه تا روز شنبه ۵۸/۱۰/۲۲ حصار رسیدگی شده و نمایندگان سرکار برسد کردند اعتصاب را بطور موقت پایان می‌دهند. در صورتیکه اگر نمایندگان سرکار برنگردند، دوباره به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

خبری امید بخش از یک اقدام انقلابی

تعدادی از شوراهای کارخانه‌های اراک بدنبال چندین جلسه نشست با دیگر شوراهای کارخانه‌جات موفق می‌شوند نظرات آنها را برای ایجاد "اتحادیه شوراهای منطقه اراک" جلب کنند.

اتحادیه مذکور با همبستگی حدود ۱۸ شورای کارخانه و شرکت‌های مختلف بوجود آمده و مسئولین آن کارتهایی را با نام سازمان را از اوایل دیماه آغاز کرده‌اند.

با وجودیکه این اتحادیه به علت نفوذ افرادیکه خواسته‌ها و منافعشان با خواسته‌ها و منافع کارگران متضاد است (در بعضی از شوراهای آن) یک اتحادیه

کارگران بیکار قزوین با تصرف ساختمانی خانه خود را برپا کردند

نمایندگان دربار: مبارزات بیکاران محصلیمان، خبر رسید که بدنبال مبارزات کارگران بیکار کارخانه ریشون رودبار ۱۲۰ کارگر بیکار را از زندانی کرده‌اند. با بخش این خبر، کارگران با شعار "کارگران را آزاد بیدار" خواستار آزادی آنها شدند. آن‌ها که ریزی دربار، مبارزات خلقی، به خصوص مبارزات خلقی که موجب نمودن رابطه آنها را با مبارزات کارگران بیکار توضیح داد. کارگران با شعار "ارتجاع ناپودست، خلق کرد پیروز است" پشتیبانی و حمایت خود را از خواسته‌های برحق خلق و در دربار آن خلق کرده اعلام نمودند. سپس یکی از دانشجویان مبارز به نمایندگی از طرف "دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" و "دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" پشتیبانی آن‌ها را از مبارزات کارگران بیکار قزوین و آمادگی برای هرگونه همکاری با آنها اعلام کرد. کارگران با شعارهای "کارگر، دانشجوی، بیوندان مبارک" و "کارگر، دانش‌آموز، بیوندان مبارک" به اعلام بغیبه در صفحه ۴

روز شنبه ۲۵ دیماه کارگران بیکار رومبارز قزوین مقابل فرمانداری این شهر اجتماع نمودند. در ابتدا با صدور از این بهیانه، اینک اجتماع کارگران با شعار "تسلیمات ریاست جمهوری است!" از ورود آنها به فرمانداری جلوگیری کردند، اما کارگران با همبستگی و مقاومت راه را گشودند و وارد فرمانداری شدند. در ابتدا یکی از نمایندگان دربار به کمیسیون (۱) گفت: "هدف اسناد را برکنار کردن کمیسیون این بود که ما را عضو آن کمیسیون نمایند. کارگران با اختلاف بینداز و از زبان ما به شما بگوید که کار بیدار نمی‌شود. ولی ما از کارگران جدا نمی‌شویم و با بدین کمیسیون‌های فرماندهی را افشا کنیم... پس از صحبت‌های یکی دیگر از نمایندگان (۱) - روز شنبه چهارم دیماه، نمایندگان در اجتماع بیکاران گفت: "در نظر گرفته ایم کمیسیون با شرکت فرماندار، یک نماینده شورای انقلاب دوماه آینده از کارتون شوراهای شهرستانی... تشکیل شود. شما کارخانه‌ها و طرح‌های اجرایی با بدایین کمیسیون کار را استخدام کنند".

مبارزه کارگران بیکار کرج

کارگران بیکار شهرستان کرج و حومه که قبلاً به همراه کارگران بیکار رتبه‌ها از خانه کارگر بسوی وزارت کار را هیما می‌کرده بودند، پس از آنکه از سوی وزارت کار رتبه‌ها را با حق همبستگی می‌شود می‌کنیم، خواهش را شنیدند، تصمیم گرفتند که با تکیه بر نیروی متشکل خودشان در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۲ به سمت فرمانداری را هیما می‌نمایند. راهیما می‌نمایند از اداره کار با بسی کرج شروع شد. کارگران بسیاری جلب حمایت زحمتکشان از مسیر کارگزاران محله زورآباد حرکت کردند. برخی از شعارهایی که داده می‌شد چنین بود: جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم - تحسین، نظارات، حق مسلم ما است - خلق بیکار می‌رزد، سرما به دار می‌لرزد - اتحاد، اتحاد، علیه سرما به دار - مرک سرما به دار و... در منطقه کارگزاران رتبه‌ها زورآباد دوج فوج بسی سردار جمعیت افروخته می‌شد و بیکاران از سوی اهالی رورآباد شدیداً مورد حمایت قرار گرفتند. در مسیر راهیما می‌نمایند سخنانی های افکار ان‌های در زمینه بیکاری، مسئله‌گرانی و عدم پاسخ کوئی دولت به

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

در کارخانه دوزندگی ناظمی چه می‌گذرد؟

کارفرمای زالوفت کارخانه ناظمی ماهاست که با خوشه، هرروز به بهانه‌ای دست به اخراج کارگران می‌زند، از جمله وی در تاریخ ۴ / ۵۸ / ۱۰ تعدادی از کارگران را اخراج کرده و با بی‌شرمی تمام علت آنرا بنظر پسران می‌کشد: "بعلت اشغال سفارت آمریکا و گروگان گرفتن مزدوران آمریکا تصمیم به تحریم اقتصادی گرفته و مواد اولیه بهمانی رسیدن برای ما مجبوریم شما را اخراج کنیم، این تقصیر ما نیست، بلکه تقصیر مردم ایران و کمانی است که سفارت آمریکا را اشغال کرده اند".

بدنبال این مسئله کارگران کارخانه برای رسیدگی به خواسته‌های برحقشان که بعضی از آنها عبارتست از:

- ۱ - خامین کار برای بیکاران و بازگشت ۸ تن از کارگران اخراجی.
- ۲ - اخراج کسانیکه از طرف شورای کارگران نامالح تشخیص داده می‌شوند.
- ۳ - استخادم رسمی کلیه کارگران در کارخانه.
- ۴ - پرداخت سود ویژه به کارگران زیر نظر شورای کارگران.
- ۵ - اخراج ناظمی کارفرمای کارخانه.

و... همگی دست از کار کشیده و در کارخانه تحصن میکنند. کارگران در برخورد با مسئولان چندکمیته و فحاشی و زارت کار متوجه می‌شوند که اینها با وجودیکه بظا هر دم از حمایت کارگران و زحماتشان می‌زنند، عملاً از سرما به داران زالوفت حمایت میکنند. در زیر خلاصه گزارش مبارزه کارگران این کارخانه را از اطلاعیه شماره ۶ آنها تحت عنوان "دوستان و دشمنان خود را بشناسیم" نقل می‌کنیم:

خواهران و برادران کارگر
همه پنهان مبارز:

بدنبال تحنن و یک هفته درگیری با طرچلو - گیری از اخراج و بیکاری با اتحاد خود و دیگر برادران - شما از کارخانه نجات دیگر توانستیم کارفرما و کمیته‌ها را وادار به امضاء خواسته‌هایمان بکنیم. مسئله بظا هر حل شده بنظر می‌رسد ولی در باقی فتنه میگذرد وجود آنکه از امضاء توافقنا محدود یک هفته میگذرد کارفرما بجای آمدن بکارخانه به کمیته‌رفته و به هزاران حیل و متوسل می‌شود و هیچ فمانتی بسرای اجرای تهدید کارفرما وجود ندارد. پس از مراجع به وزارت کار با بقولی وزارت کارفرما (بدلیل اینکه در هیچ موردی تا بحال حق را با کارگران نداشته است)، دوباره به کمیته‌ها یعنی همان مراجعی که مردم مبارز، بخصوص ما کارگران آنها را بقدرت رسانده ایم رفتیم و دیدیم که اینها به علناً جاسوس کارفرما را میگیرند و حتی با توهین و تحقیر ما سعی کمک‌کنشی می‌شوند که ما دفا ندر مدد کمک‌ها می‌هستند. نمونه‌ای از برخورد آنها را میتوان هنگامی دانست

بقیه در صفحه ۸

ایران - امفان موضوع: پشتیبانی

بدین وسیله به اطلاع کلیه شما همکاران گرامی می‌رساند که شنیده ایم عده‌ای افراد ارتجاعی به استناداری واداره کار و غیره تلفن زده اند و از جانب کارگران کارخانه علام‌کرده ندکه در صورت برگشت مجدد شما به کارخانه ما دست از کارها هم کشید که املا دروغ محض می‌باشد. بدین وسیله ما پشتیبانی خودمان را از شما اعلام می‌داریم و ضمناً از ما خواسته شده که برای شما ما می‌توانیم حقوق به حساب بداریم استناداری سپردا زندگه ما موافقت نکرده و می‌خواهیم که دولت هر چه سریعتر نسبت به برگشت شما بکار رود بیکار بیکار به سرکار اقدار ما می‌اید. و متأسفانه با بودن جوارتجای موجود در کارخانه که متأسفانه کارخانه را قبضه نموده اند و با تعدادی درخارج از کارخانه نیز دست‌های ما با شما می‌خورا اعلام نمی‌کنیم.

پیروزی با دشمن شما و دیگر برادران کارگر در سراسر کشور
نا بودیا دایمیریا لیسیم جنابینکار آمریکا
نا بودیا درتجای داخلی

دانشجویان و دانش آموزان آنها را همراهی می‌کردند، و از خانه خود شدند. اولین کار آنها این بود که بلاکاردی را که روی آن با رنگ سرخ نوشته شده بود "خانه کارگر" بر سر درواختان نصب کردند. آنکه یکی از شما بندگان پشت بلندگور رفت و گفت: "ما مدتهاست که برای خواسته‌های خود مبارزه می‌کنیم، در این مدت به این نتیجه رسیدیم که مسئولین هیچ کاری برای ما انجام نمی‌دهند، ما تنها وقتی به خواسته‌هایمان می‌رسیم که متحدان و متشکل مبارزه کنیم..." پس از صحبت‌های چند کارگر دیگر در همین زمینه آنکه یکی از شما بندگان دربار سندی که صحبت کرد و قرا ر شده سندی که کارگران در سنگر خود (خانه کارگر) درست شود و کارگران متحدانه مبارزات برحق خود را علیه مهربا لیسیم و سرما به داران خونخوا را ادامه دهند.

پس از صحبت یکی دیگر از شما بندگان دربار سندی که تشکیلات و چگونگی فعالیت آن کارگران با شما اتحاد، مبارزه، پیروزی، سالن را بلرز و درآوردند.

بقیه از صفحه ۲۲

کرامی باد خاطر... رفقا، از مدارک تخلیه نموده و هماه روز کلیه اسناد و مدارک با یکدیگر را بجای دیگری منتقل نمود. احتمال بسیاری رود که رفیق در همین جریان توسط ساواکی‌ها شناسایی شده باشد. رفیق شهید مهدی فتحی در ۲۹ دیماه طی یک دزگیری مسلحانه پس از دوران ساواک در حوالی خیابان ناصرخسرو به چنگ آنان افتاد و در زیر شکنجه آدمکشان شاه به شهادت رسید و به ستارگان سرخ آسمان انقلاب دمو - کراتیک، خدا مهربا لیسیتی میهنان پیوست. خون پاکش بر آتش شهادت انقلاب بخاک ریخت، راهی که هزاران شهید از بهترین و فداکارترین فرزندان خلق، چه قبل و چه بعد از او پیروی و پیروند. یادش گرامی و آمانش پیروز باد!

ما کارگری نبوده‌ایم بی تردید جنبش کارگری ما در پیشروی آینده خود اینگونه عنا صراف از صوف خود بیرون خواهد راند.

ما این موفقیت را به طبقه کارگران ایران و به خصوص به کارگران مبارز اراک تبریک می‌گوئیم. نقل آزاد از مقاله‌های دولتی... نوشته وزه اراک سازمان بیکار...

پشتیبانی کارگران پلی آکریل از رفقای اخراجی خود

کارگران کارخانه شرکت پلی آکریل ایران در بدای اخراج عده‌ای از همکاران خود و شایعه‌ای که راس رابطه از طرف عنا صراف کارگری وجود آمد - ست اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۷ / ۵۸ / ۱۰ انتشار داده - ندکه در زیر آنرا می‌خوانید:

ما همکاران سابق خود متحن دراداره کار امفان ز سوی کارگران و کارکنان شرکت پلی آکریل - بقیه از صفحه ۳
کارگران بیکار قزوین...
همبستگی آنها پاسخ دادند.

از آنجا که کارگران تصمیم گرفته بودند محل سابق کتابخانه مرکزی قزوین را بعنوان "خانه کارگر" تصرف کنند، حدود ساعت ۱۱ مقابل در ورودی برآمداری اجتماع کرده (جمعیت حدود ۱۵۰ نفر شدند) و آنجا به صفوف منظم بطرف محل قبلی کتابخانه مرکزی قزوین حرکت نمودند. پس روی بعضی از بیکارها نشانی که کارگران با خود حمل می‌کردند، نوشته شده بود: "ما خواستار رها دانه سرما به - نای وابسته به مهربا لیسیم هستیم"، کارگر و زحمتکش شمن امیریا لیسیم، "سرما به دانه مزدور، شوکر - مهربا لیسیم"، "مرکز برای مهربا لیسیم"، دشمن ملی خلقهای ایران، "داشتن میکن، حق مسلم حمتکشان است..."

در بین راه کارگران مبارز شعار می‌دادند: "صانع وابسته ملی با بدگردها، ربا برای بیکار بجا دبا بدگردها"، "عوامل وابسته افشا با بدگردها"، "بیمه بیکاری پرداخت با بدگردها"، "زحمتکشان زهر صنف، اتحاد، اتحاد - زحمتکشان از هرسو نهایت، حمایت". همبستگی و تشکل و نظم کارگران بسیار مؤثر و چشمگیر بود. مردم قزوین در کنار خیابان صفوف کارگران را همراهی میکردند. کارگران پس از گذشتن از خیابانهای خیام و طالقانی با شعار "خانه کارگر، سنگر زحمتکشان با دبا بدگردها" وارد خیابان شاهپور قدیم شدند. آنها با نزدیک شدن به ساختمان که قصد داشتند آنرا تصرف کرده و خانه خود را در آن برپا کنند گدا می‌پاشان استوار و تر و متحن تر میشد. کارگران در برابر برپا ختمان مذکور اجتماع کرده و پس از آنکه یکی از شما بندگان تا ریخته مختصری از مبارزات کارگران بیکار را بیان کرد، چند نفر کارگر در صحنه ختمان را با سختی باز نمودند و کارگران با نظم و ترتیب خاص خود و در حالیکه مردم

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

حل مسئلہ بیکاری بہ شیوہ آربامہری

بقیه در صفحه ۷



درتخص کارگران بیکاریلی آکرئل چه میگذرد؟

"پیروز باد مبارزات حق طلبانہ کارگران"

گروهها و سازمانهای انقلابی متعددی از آنان
اعلام پشتیبانی کرده اند و نیروهای انقلابی، گروهی
از دانشجویان انقلابی، گروهی، از کارکنان کارخانه

چرا کودکان نباید خانه‌های خالی را مصادره کنند؟

پیروزیاد مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران
مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان!

کارگران وزخمتکشان مبارز گود نشین !

سال گذشته شب (عید) بود که یکی از خانه های گودیرا اثر سرورسودگی فرو ریخت و در این حادثه جان - خوات ۸ نفر کشته شدند! برق میرفت و موتورهای فرسوده شهرداری از کار می افتاد و اما در تاریکی فرو میرفتیم. فاضل آبه بدرون محل مسکونی زندگی ما وارد میشد. مجبور بودیم درآغوش باطل جا - یی ملایم ناله ناله تحمل کنیم و درجوب، سیریم.

قانون اساسی "خبرگان" زنجیرست به پای زحمتکشان

خلق ها و مسئله ملی



مبارزه در سنج همچنان ادامه دارد...

روز جمعه ۵۸/۱۰/۱۴ طبق قرار قبلی مردم بعد از برگزاری نماز جمعه در مسجد جامع متحین شدند و تحصن شکل وسیعتری بخود گرفت. اینبار تحصن در دوشنبه شهر یعنی مسجد جامع و استانداری ادامه داشت.

بدینال تحصن مردم در مسجد جامع اوباشان طرد را رفتی زاده تعدادی از جوانان فربخویده را با چاقو و پنجه کس و اسلحه کمری روانه مسجد کردند. آنها هنگام ورود به مسجد تعدادی اعلامیه را در محض مسجد پخش کردند و با دادن شعار رسمی در اسباب درگیری و آشوب داشتند. در یکی از اعلامیه ها که به امای فواد روحانی (خواهرزاده احمد مفتی - زاده) و حسن امینی بودند نوشته شده بود: از زمانیکه ما (منظور از رودسته مفتی زاده) از شهرت سنج خارج شده ایم مسئولیت هیچ نوع درگیری را بعهده نمی گیریم. تاریخ صدور این اعلامیه ۵۸/۱۰/۲۳ بود در حالیکه این اعلامیه در روز ۵۸/۱۰/۱۴ همزمان با تحصن مردم در مسجد جامع پخش شد. هدف آنها این

بود که در روز چهاردهم در مسجد درگیری بوجود آورند و بعد از اعلام کنند که ما قسلا اعلامیه ای ۵۸/۱۰/۲۳ پخش کرده ایم و در این درگیری ها ما داخل نشدیم. اما مردم خیلی آگاهتر از آن بودند که فربخویده های این اوباشان را بخورند. از این رو از هر نوع درگیری برهیز نشد و با صبر انقلابی آنها را از مسجد بیرون انداختند. (روزنامه انقلاب اسلامی آقایی بنی مدرنیزه پیشبان کمانی چون مفتی زاده است این نامه را بجا برسانده بود!)

تحصن در مسجد جامع و استانداری هر روز ادامه میسر می شود و هر روز پیونده عمیق زحمتکشان شهر و روستا بیشتر نمایان میشود. روستا شیان از دورترین نقاط کردستان با کوله باری از آذوقه روانه شهر میشوند و در راه های گرم و آتشین خود را نشان می دهند. کارگری می گفت: "زخم مقداری نان پخته ما از بخت بدروستی ما چاه درستی نداشتن است و این آتش بر سر ما ورم". وی میگفت ۲۰ بقیه در صفحه ۲۰

طوفان در قنجان! (۲)

در شام گذشته، پیکار را جمع به طرح "خودگردانی" دولت و برخی از محورها را خواست خودمختاری خلق کرد. آنرا که در کیم و بدیم که طرح خودگردانی سهیل چوچه نمی تواند به چنین خواستهائی پاسخ دهد. و اینک ادامه این بحث:

تا بهمت تا زمانهای ناحیه "خودگردان" از دولت مرکزی

در حکومت خودمختار واقعی تمام سازمانها و ادارات در تمامی زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، انتظامی و... تابع حاکمیت خودمختار می باشد. (روشن است این به معنی نفی وانکار و طایف دولت مرکزی در رابطه با برنامه ریزی های عمومی اقتصادی و سیاست خارجی... نیست). و همچنین مسئولین و رهبری آنها در مقابل ارگانهای مربوطه حاکمیت خودمختار مسئول خواهند بود. بنا بر این اگر این سازمانها و ادارات بخشی از همان بوروکراسی و سازمانهای دولت مرکزی باشد، و عزل و نصب مسئولین و رهبری آنها توسط دولت در مقام خود گردان "باشد، دیگر حاکمیت نمودن از خودمختاری و با حاکمیت ملی بر سر نوشت امور و فعالیت های خود سخن بگو و بپایوده ای است. چیزی که در ماده های ۲ و ۳ طرح "خودگردانی" و با در ماده ۱۰ در مورد آموزش و پرورش و... کاملاً متبلور است. در مورد

مسئولین و کارگردانان "نیز در ماده ۲ و همچنین در ماده ۳ در زمینه کارهای دادگستری، که در سازمان ناحیه خودگردان با پدیدتصویر دولت بکارگرفته شود، و ماده ۴ در زمینه انتظامات (که قبلاً محبست گردید)، همه گویای این مسئله میباشد که "کار

● همانطور که طراحان "طرح خودگردانی" نیز گفتند، این طرح در چهارچوب قانون اساسی خبرگان است. مای گوئیم قانونی که حقوق ملیت ها را به هیچ وجه به رسمیت نمی شناسد و بر نابرابری و ستم ملی صحنه می گذارد، چگونه می توان در چهارچوب آن طرحی داد که خلق کرد را به حق خود برساند؟! اگر چنین بود پس چرا خلق کرد و فراندوم قانون اساسی خبرگان را بدلیل محتوای ارتجاعی آن تحریم نمود؟!

بدستار و ارگانهای رهبری و مدیریت سازمانها و ادارات خودمختار در مقابل سازمانها و ادارات دولتی مرکزی مسئول خواهند بود. حتی آن مقدار وظایف محدودی که در ماده ۱۰ در زمینه های اقتصادی، عمرانی، فرهنگی برای ناحیه های "خودگردان" قائل شده اند، در جاهای دیگر این طرح بخش مهمی از این حقوق و وظایف مستقل را با وابسته و مطیع نمودن سازمانها و ادارات مربوط به دولت مرکزی نفی و انکار می نمایند. نمونه: روشن آن در مورد

احمد مفتی زاده همچنان توطئه میکند

طبق اخبار موشق احمد مفتی زاده این راننده شده از سنج، این مزدور فراری در کرمانشاه مشغول توطئه علیه خلق کرد است. یکمک تا میرسد در کرمانشاه عوامل اوباش و مرتجع را تعلیم می دهند تا در کردستان توطئه های خائنه خود را اجرا کنند و به مقاصد پلیدشان برسند. سندی برکه از طرف دارودسته این خائن خلق کرد انتشار یافته گویای توطئه ها می است که او در صدد اجرای آنهاست.

بسم الله الرحمن الرحيم
"ربنا افرغ علينا وبت اقدانا و انصرنا علی القوم الکافرین"
خدا یا بر ما استقامت و بر دباری را عطا بفرما و قدم های ما را در این راه تثبیت گردان و ما را بر کافران و دشمنان اسلام یاری بفرما "آمین"
بدین شرح

ملت مسلمان و مبارز کرد
بمنظور برقراری نظم و امنیت کردستان و دفع کفار و رومنا فقیان از منطقه در راه "الله" از برادران عزیز، چه در روستا و چه در شهر که خواستار برقراری جمهوری عدل اسلامی هستند تقاضای شوی به جمع ما بپیوندند و برای کسب اطلاعات بیشتر و کسره و پیوستن به این گروه که پیشمرگان اسلامی میباشد می توانند همه روزه از ساعت ۹ الی ۵ عصر با در دست داشتن ۲ برگ فتوکپی شناسنامه و ۴ قطعه عکس ۴ × ۶ به نشانی: کرمانشاه - بلوار طاق بستان - خانه فرهنگیان سابق - دفتر مرکزی پیشمرگان مسلمان کردستان مراجعه فرمائید.

با آرزوی موفقیت برادران عزیز مسلمان در راه اهداف اسلام.
دفتر مرکزی پیشمرگان اسلامی کردستان
مرکز کرمانشاه

دستگیری معلمین توسط پاسداران قروه

پاسداران قروه یکی از آموزگاران منطقه شلیق از دهگلان کردستان را که برای کار اداری به قروه می رود، دستگیری کردند. مردم دهگلان و حومه و فرهنگیان منطقه جهت آزادی این آموزگار در مسجد جامع دهگلان دست به تحصن می زنند. اما پاسداران بجای آزادی این آموزگار روشن دیگر از فرهنگیان جدیدالاستخدام را که برای گرفتن ابلاغ به قروه رفته بودند دستگیری نموده اند. تحصن مردم دهگلان تا این تاریخ (۵۸/۱۰/۲۵) با طرز آزادی زندانیان همچنان ادامه دارد. ■

سازمانهای آموزش و برنامه ریزی در مورد آن در ماده ۱۰ می باشد که با مطرح نمودن اینک "ناحیه خودگردان سازمان دهشکه آموزگاری بقیه در صفحه ۲۰

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک

جنبش دهقانی



مبارزه دهقانان روستای جلیکان

روستای جلیکان در ۱۵ کیلومتری غرب آمل و درجاده نوبر واقع است. جمعیت این روستا حدود ۱۲۰ خانوار میباشد که ۶۰ خانوار از آنها بی زمین و ۴۰ خانوار کمتر از ۱ هکتار، ۲۰ خانوار بین ۱-۲ هکتار و چند خانوار هم در امور کشاورزی فعالیت نمیکند. در قبایل چنین وضعیتی که اکثریت قریب اتفاق دهقانان را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل میدهند، ۱۴۰ هکتار از زمینهای مرزویی از این روستا تحت تصرف شعی است بنام حاج عباس - زاده که روی ۴۰ هکتار آن سند مالکیت دارد و ۱۰۰ هکتار دیگر را با آنها پیش بعلت در تنگنا قرار گرفتن دهقانان از آنها به مقدار ناچیزی خرید و فروخته است. بطور کامل این مبلغ را به دهقانان پرداخت نکرده بود. برای تصمیم گیری درباره تصرف زمینها، عناصر آگاه و در تاریخ ۵۸/۹/۱۵ اهالی روستا را به تشکیل یک جلسه عمومی دعوت کردند. سپس از افشارگری های لازم توسط عناصر آگاه در این جلسه، دهقانان ۵ نماینده انتخاب کردند که در آن همان دهقانان بی زمین و کم زمین و هم عناصر آگاه شرکت داشتند. افرادی همان شب فعالیت نمابنده ها شروع میشود. ابتدا برای اکثر کردن زمینهای مغروبه جنگلی به اداره کشاورزی میروند. از طرف اداره کشاورزی فرمی به آنها داده میشود تا برگردند. پرونده تشکیل بشود و این جریان را اداره خود را طی کند. ولی سنگ اندازی مقامات اداری که ناشی از سیاست ضد دهقانان است. هیئت حاکمه است، آنها را از ادا مابین کار بازداشت. جلسات متعددی که نمایندگان با حضور اهالی ده تشکیل میدادند و افشارگری های نمایندگان موجب جلب اعتماد دهقانان شده و تصمیم گرفته میشود که بنحای ۴۰ هکتار مغروبه، ۴۰ هکتار از زمینهای حاج عباس زاده را تصرف کنند. شور و شوق دهقانان در انجام این عمل باعث میشود که تصرف کلیه زمینهای حاج عباس - زاده مطرح شود. اما از جانب دیگر حاج عباس زاده هم بیگانه نشیند و به اتفاق دو پادار به جلیکان آمده و به دهقانان اعتراض میکند. داد و فریادهای حاج عباس زاده تا شهری در روستای دهقانان نداشت و قرار بر این میشود که دهقانان ابتدا زمین ۴۰ هکتاری را تقسیم کنند و سپس از روی سندهای که در دست دهقانان قرار دارد و مدتها دیگر را هم تقسیم کنند. اما بعد از ملا دیدن نمایندگان که از آن پس شورای دهخواه میباشند فقط زمینهای آبی را که حدود ۴۰ هکتار بود بین ۷۰ نفر تقسیم کردند و عملاً از تقسیم کردن زمین های دیم خودداری کردند.

گزارشی از روستای "قرق"

این روستا در یک کیلومتری شمال آمل قرار دارد. جمعیت این روستا ۶۰ خانوار است که ۱۵ خانوار آن بدون زمین هستند. کل زمینهای آبی این روستا ۱۱۰ هکتار می باشد که بصورت زمینهای ۱ تا ۱۰ هکتاری در اختیار دهقانان قرار دارد. زمینی به مساحت ۵ هکتار نیز وجود دارد که متعلق به یک فرد نزلخواه شهری میباشد که البته این زمین را از طریق نزلخواه از دهقانان گرفته است. ۲۰ هکتار زمین دیم هم وجود دارد که بصورت باغ بوده و بخشی از آن متعلق به کشاورزان بومی بوده و بقیه از آن چند سرما به داری شهری می باشد. ۱۲۰ نفر از دهقانان بی زمین طی چند جلسه تصمیم می گیرند که ۵ هکتار زمین نزلخواه را تصرف کنند. این نزلخواه به شدت مورد تنفر دهقانان می باشد. مثلاً یکی از دهقانان تعریف میکرد که چگونه ۵۰۰ تومان پول از وی گرفته و پس از مدتی مجبور شده است ۸۰۰ کیلو برنج و ۸۵۰ تومان پول بابت این ۵۰۰ تومان بپردازد. دهقانان بی زمین در اوایل آذرماه ۵۸ هکتار زمین آبی را تصرف کرده و آن را تخم میزنند و بدنبال آن ۴ هکتار از زمین های با سرما به داریان شهری را نیز تصرف می کنند. پس از این موفقیت که موجب اتحاد دیمبشتر دهقانان میشود، آنها قصد تصرف زمین های برخی از دهقانان مرفه و میانجی ها را میکنند که با توضیح عناصر آگاه از این کار منصرف میشوند. روشنفکران انقلابی با بستی با توضیح و کار اقلانی از این انحراف (تصرف زمین های دهقانان مرفه) که در جنبش دهقانی شوق می پیوندد دهقانان را آگاه سازند. در شرایط کنونی زمین های دهقانان میانجی ها نه حال نبایستی مورد تصرف دهقانان در آید، بلکه دهقانان با بستی زمین های متعلق به مالکان سرما به داریان شهری، نزلخواه را و... را حتی اگر زمین های کوچکی هم داشته باشند تصرف کنند. نکته جالب در حرکت شورا این است که برای آگاهی دهقانان نشریه ای دیواری در دره درست کرده اند که "روا" نام دارد و تاکنون سه شماره از آن منتشر شده که در آن به افشارگری درباره توطئه های مالک پرداخته شده است. به تشریح روستا شیبکان جلیکان و بخصوص اغای شورا و همچنین تا شریب پیروزی دهقانان جلیکان، دهقانان بی زمین روستای رزک نیز ۴۰ هکتار از زمینهای حاج عباس زاده را به تصرف در آورده و بین ۲۰ تن از دهقانان بی زمین تقسیم کردند.

بقیه از صفحه ۱۸

نگاهی به رویدادهای...

نقشی که در زمینه سازی و تکوین جنگ ملیبی برادر - کشتی میان مردم، بهمه دارد و بالاخره از این نظر که هم راست که زمینه، عریبه جوئی و گردنکشی دارد و دست خلق مسلمان و زعم عالمی قدرش را فراهم کرده است و آنچنان شرایطی را فراهم نموده است که جنبش جریانی بتواند در عرصه سیاست کشور این چنین به توطئه چینی برخیزد.

۴ - جلوگیری از شرکت مردم در حرکات ارتجاعی - ای که توسط جریان ارتجاعی، بورژوازی تحت عنوان مخالفت با رژیم، سرگذازمی شود و اهداف ارتجاعی فوق الذکر را دنبال نمیکند. افشای ماهیت این حرکات و برآورد از زندگان آنها و توضیح نتایجی که برای این شرکت مردم، مترتب است و بر اساس جلوگیری از تحقق اهداف مرتجعانه و ضد خلقی ای که از سوی این جریان با برآورد انداختن چنین حرکاتی، دنبال میشود، یعنی ایجاد برادر - کشتی و جنگ داخلی میان مردم و ایجاد شوب داخلی و سوء استفاده از این تفاهات برای معامله با هیئت حاکمه.

۵ - سمت دهی آگاهان به اعتراضات حق طلبانه و انقلابی مردم بر علیه سیاستهای ضد انقلابی هیئت حاکمه و ارتقاء مضمون و محتوای سیاسی آنها. افزایش ضای فدا میریالیستی، فدا ارتجاعی و محتوای دمو - کراتیک این مبارزات، زدودن سموم لیبرالی ای که از سوی جریان ارتجاعی فوق در میان این جنبش انقلابی پراکنده می گردد و کشاندن آن به سمت منافع اساسی توده های زحمتکش این منطقه. همچنین محکم کردن پیوند تشکیلاتی و سازمانی میان خود این توده عظیم و کوشش در جهت سازمان دادن مبارزات آنها در تشکیلات مستقل و انقلابی خودشان و متقابلاً کشاندن آنها از زیر سایه و برهنگونه تشکیلاتی که از سوی نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی گسترده شده است.

★ ★ ★

توضیح:

کمیته آذربایجان سازمان در رابطه با جریانات اخیر تشریز اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۰ منتشر ساخته که در آن بدستی مرز جنبش توده ها و جریان بورژوازی و ارتجاعی حزب جمهوری خلق مسلمان را روشن ساخته است. اما به لحاظ نحوه ارزیابی مجموعه جریان اخیر تشریز موضع رفقا دارای برخی اشکالات است که نمیتواند موضع سازمان تلقی گردد و موضع سازمان همان است که در این شماره پیکار آمده است. ■

بقیه از صفحه ۵

حل مسئله بیگاری...

امیرالیم هرگز نخواهد توانست مسئله بیگاری را حل نماید. مشکل بیگاری موقعی حل خواهد شد که طبقه کارگر شورش خویش را بدست گیرد و حکومت خاص خود را برپا دارد.



کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

گزارشی از راهپیمایی و تحصن دانش آموزان زاهدان

(بسیل ازبک بلوچ شماره ۹)

بدینال اطلاع "انجمن دانش آموزان بلوچ" مبنی بر اعلام راهپیمایی در ساعت ۵۸/۱۰/۱۶، دانش آموزان ابتدا به راهپیمایی سمپورا عینا سر به دستگیری تعدادی دانش آموز و معلم در این شهر می رسانند. این راهپیمایی از دبیرستان دکتر سرمنی (بازگانی سابق) آغاز می گردد. دانش آموزان پس از آنکه جنبش خیابان را طی میکنند و شعارهایی علیه "هیئت حاکمه" و "خوانین" می دهند در ادامه آموزش و پرورش اجتماع کرده و منظم در رسیدگی هر چه سریعتر به خواسته هایمان در این اداره منحص می شوند. دانش آموزان طی قطعنامه ای خواسته های خود را شرح ذیل اعلام میدارند:

۱- کلیه زندانیان سیاسی که به خاطر فعالیت در جنبش بلوچ در این شهر دستگیر شده اند باید آزاد شوند.

۲- ما خواهان افشاء و محاکمه معلمین و محصلین که با رژیم گذشته همکاری داشته اند، هستیم.

۳- ما خواهان سرسخت شناختن انجمن دانش آموزان بلوچ و آزادی فعالیت های سیاسی و صنفی و استفاده از امکانات دبیرستانها مثل مکان انشراحاب، وسایل ورزشی و بودجه میباشیم.

ضمناً بوسیله عوامل وابسته به رژیم می شود این تحصن شکسته شود که با مخالفت دانش آموزان روبرو می شود. قولوی عبدالملک (سرمدولوی عبدالعزیز) به اداره آموزش و پرورش آمده و تلاش میکند دانش آموزان را قانع سازد تا به تحصن خود خاتمه دهند. ولی دانش آموزان هر چند از زور سخنرانی بوی می دهند ولی در پایان شعارهایی مخالفت خود را با او ابراز می دارند. شعارهایی داده می شود که مهمترین آنها عبارتند از:

"عزالدین رهبر کرد و بلوچ"، "خودمختاری زحمتکشان آری، خودمختاری ارتجاع نه"، "بلوچستان ملی ملک آنت، خودمختاری (و تواجی) ملی حکانت (بلوچستان سرزمین ماست، خودمختاری حق ماست)"، "قانون اساسی ناکحانت (قانون اساسی ناحق است)" و...

ضمناً بسیاری از دانش آموزان دبیرستانهای مختلف زاهدان به تشبیه خود را از این تحصن اعلام میدارند، بدینحال ما به تبلیغ بوسیله "بایدان" و اعلام اینکه "عزیزالله بلوچ" یکی از دستگیرشدگان ما و یکی بوده است و اینکه دانش آموزان ناآگاهانه تحصن نموده اند. دانش آموزان طی ۳ اطلاعیه مقامد اهداف بایدان را در این زمینه افشاء مینمایند در قسمتی از اطلاعیه شماره ۳ دانش آموزان تحصن آمده است: "چرا سبیهان بایدان در برابر اعتراضات و نظرات دانش آموزان درسرا سر بلوچستان پس از مدت ها سکوت اقدام به این افشاءگری نمود... چرا سبیهان بایدان را بر نرفته "عزیزالله بلوچ" را قبلاً افشاء نگردند... چرا در مورد بقیه دستگیرشدگان مهر سکوت بر لب میزنند... اعتقاد داریم که این عمل بایدان نه در جهت عملی کردن یکی از خواسته های ما یعنی افشاء ما و یکی ها، بلکه در جهت مخدوش ساختن جبهه ما بر افراء دستگیر شده است بوسیله دانش آموزان مبارز (۱) (نقل معنی). تا این تاریخ ۵۸/۱۰/۲۳ هنوز تحصن دانش آموزان ادامه دارد. فائیل با دآوری است که در روز یکشنبه ۱۰/۲۳ توسط

اخباری از مبارزات دانش آموزی

هواداران دانش آموزان تحصن را بهیماشی صورت گرفت.

(۱) - در تاسیفا افشاکری "انجمن دانش آموزان بلوچ" نیز با بدقت اگر واقعاً بایدان را قمدشان افشاء، مزدوران امپریالیسم و عمل ساواک است چرا "تقی خان ریگی" و "خدا داد ریگی" و... که وابستگی به رژیم شاه بر هر کس افشاء است، افشاء و دستگیر نمی نمایند. چرا روشنفکران خود فروخته ای چون "غلامرضا حسن بر" و "ملک بخش پاکر" و... را افشاء نمی کنند و بهیما میز محاکمه نمی کنند؟ چرا "مهدی میرشکار" که سند خباثت بخلق به وسیله دانشجویان دانشسرای عالی به افشاء عموم رسید، همچنان مشغول بکار است، آنهم در آموزش و پرورش (توضیح اینکه این شخص هم اکنون در دبیرستان طالبانی زاهدان مشغول به خدمت میباشد. نامیده را بجای اینکه بهیما میز محاکمه بکشند و زکا بر - کتار نمایند، از سوا و ان به زاهدان منتقل نمودند) آری اینانی بی شرمه افشاء افشاء، خاشنیس به خلق همت می کنند که بوسیله آن بتوانند زاهدان توده ها را نسبت به نیروهای مبارز مسموم نمایند و به اهداف انحصارگرا نه خود حاکمه، عمل بیوشانند آیا مزدورانی چون "امیر نظام" و "مقدم مرغانی" که پس از ۹ ماه خباثت بخلق افشاء میشوند، خود کواء حقانیت ما و خباثت آنان نیست؟ آیا گواء این نیست که هیئت حاکمه به افشاء انقلابی تها آن هنگامی به افشاء وابستگان خود میپردازد که دیگر نتوانند یکدیگر را تحمل نمایند. آری آنان نه از منافع توده ها بلکه از منافع انحصارگرا نه خود حرکت مینمایند و این بر کسی پوشیده نمانده! افشاء و محاکمه کلیه مزدوران رژیم گذشته خواست کلیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی است



بقیه از صفحه ۴
در کارخانه دوزنگی...

که حاج موسوی (۲) برای چندمین بار با وعده های توخالی و ادعای اینکه بدینال کار ما را کارگران است بکارخانه آمده و قشقه با چندتن از نمایندگان و اعضا شوراهای متحد و پیرو شده برای حمایت و اعلام همبستگی با ما آمده بودند و بگوید آنها در کارخانه ما اعتراض نمود که با عکس العمل شدید کارگران

(۳) - حاج سید موسوی از مسئولین کمیته ۳ منطقه ۸ و یکی از عناصر ضد کارگران و طرفداران رژیم است.

به دانش آموزان دبیرستانی!

گروه دانش آموزان دبیرستانی جنوب روستا در ماه بهمن ۱۹۰۲ تشکیل یافت. در اوت ۱۹۰۲ گروه اولین کنگره اش را که اعلامیه زیر را صادر کرد، سر - گزار نمود. این کنگره وظایف گروه را عبارت از کار و فعالیت انقلابی - فرهنگی در میان دانش آموزان و پیش نوشتجات غیرقانونی تعیین کرد. کمیته مرکزی گروه تمام دانش آموزان را به حمایت از تمهیدات گروه دعوت کرد تا آنکه آنها به یک نام ترک مدارس بتوانند در زیر پرچم جبهه افشاء سرخ به اهتزاز در آورده "سویال دموکراسی روس" صف آرائی کنند. گروه را کمیته DON حزب سویال دموکرات روس رهبری میکرد. این گروه نوشتجات سویال دموکرات متعلقه روزنامه های ایسکرا و زاربا و ژارما را، انگلس، پلخانوف و دیگران را در بابت و پیش میگرد.

عنوان اعلامیه زیر توسط لنین برنسخه ای از آن که بدفتر انتشارات ایسکرا فرستاده شده بود نوشته شده و به این ترتیب این اعلامیه در شماره ۲۹ ایسکرا اول دسامبر ۱۹۰۲ بجا رسید.

به دانش آموزان دبیرستانی

با استقبال صمیمانه از پیشقدمی فعال و کاری دانش آموزان، ما هم به هم خود به آنها را همنا شهای رفیقانه زیرین را می نامیم. برای اینکه سویال - دموکراتهای متقاعد، ناشناخته و بیگانه گردید، سعی کنید که تلاشهایتان را روی خود آموزی مبتنی به هدف عمده سازمانتان متمرکز سازید. صریح ترین خط ممکنه را بین این کار مقدماتی بی نهایت مهم و ضروری، و فعالیت عملی مستقیم بعنوان جدو سرز بکشید. هنگام پیوستن (وقبل از پیوستن) به صفوف گروهها درنا حیه، سعی کنید تا نزدیکترین (ومخفی - ترین) شما را با سازمانهای سویال دموکراتیک محلی با سراسری، (برای اینکه قادر به ادامه آنچه که قبلاً انجام می دادید، باشید، نه اینکه تماماً از اول شروع کنید. برای اینکه محلات را فوراً در دستتان بگیرید، برای به پیش بردن جنبش و انقضا آن بیک مرحله عالیتر) برقرار سازید.

ایسکرا شماره ۲۹

۱ دسامبر ۱۹۰۲

(نقل با کمی تغییر از کتاب و موقال لنین، از انتشارات دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - تیریز)

روبرود هنگام خروج آنها از کارخانه ما مورس - گشتی کمیته ۳ منطقه ۸ بدستور حاج موسوی به آنها حمله کردند و آنها را برای بازجویی به کمیته بردند. بعد از آنکه از جریان مطلع شدیم به محل ستاد ۳ منطقه ۸ رفتیم و گفتیم "شما کمانی را دستگیر کرده - ایده به دعوت خودمان برای راهپیمایی و کمک به ما آمده بودند ما کارگران را همان را میخواستیم". بایدان با قسم به قرآن و... سعی داشتند ثابت کنند که کارگران دستگیر شده در آنجا نیستند و در ضمن با توهین و تحقیر به زنان کارگران می گفتند شما زن حجابی نیستید، مردان شما غیرت ندارند و اگر نه این وقت شب نمی گذاشتند شما به کمیته بیایید. ما می خواهم بدانیم آیا غیرت مردان ما یعنی اینکه بگذارند شما به دار و عمال آنها هر غلطی که خواستند بکنند، یعنی اینکه بگذارند در آن مارا بقیه در صفحه ۱۴

حزب جمهوری اسلامی و کاندیدایش... جلال الدین فارسی کیست؟

هموطنان مبارز! دوستان و رفقای خواننده!

این مقاله قبل از حذف اسم جلال الدین فارسی از لیست کاندیدها نوشته شده بود و ما در رصد بودیم قبل از آن بصورت اعلامیه منتشر سازیم. ولی به سبب کنار رفتن فارسی از دور انتخابات، از این کار منصرف شدیم. اینک از آنجاکه این مقاله نشان دهنده "چگونگی تبلیغات و فریبکاریهای حزب جمهوری اسلامی است، آنرا در معرض قضاوت شما قرار می دهیم.

از کوزه همان برون تراود که در اوست:

جلال الدین فارسی کیست؟

اخیراً جزوهای از سوی "حزب فراگیر" جمهوری اسلامی در معرفی جلال فارسی بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری منتشر شده است که خواننده آن اگر به دروغ پنداریهای این حزب گذشته و روحه جلال فارسی آشنا نباشد، گمان خواهد کرد که "علی آباد همدهی است!" با خواندن این جزوه درحاله خنده-خوابیدگرتا هیچ شکی در صلاحیت ایشان برای احراز مقام ریاست جمهوری کشور، در شما باقی نماند:

۱- آقای جلال فارسی "در کلاس اول دبیرستان همکلاس دکتتر شریعتی" بوده است (چه افتخاری از این بالاتر! و لابد هسته "انقلاب اسلامی ایران" از همان روزها متشکل گرفته است)

۲- جزوه میگوید که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، جلال به "اندیشه شست" و "علت شکست را پیدا کرد:"

اول: ندا شش یک ایدئولوژی انقلابی معلوم نیست آقای فارسی چرا پس از ۱۰ سال که از آن شکست می گذشت تازه به جمعیت لیبرال و املاط طلب "نیفت آزادی" پیوست؟ وطن دوران کوتاه عضویت در آن جمعیت، زمانی که دیگر فرصت خودنمایی بیشتر و اقدامات سرخود پیدا نکرد، با آثار مهندسی بازرگان ازبیت میلیهای زندان، ازبیت اخراج گردید... البته آقای فارسی در سالهای گذشته "افتخار عضویت و رهبری نیفت آزادی" را برای خود حفظ کرد و آنرا در خارج کشور به گوش برخی از نیروهای عرب کسبه خواستار کمکی از آنها بود می رساند. این افتخار ارزانیش باد!!

دوم: "فقدان جبهه" رزمنده مسلح، بدون شک اگر آقای فارسی چنین نتیجه گیری هم در آن روز... ها داشته جز از سرانقلابی نمائی و حرفهای گنده گنده زدن نبوده است زیرا کسی که از ۲۸ مرداد اشکال کار را در این مسئله می بیند و حوادث بالهای ۴۰ و ۱۵ خرداد را هم از سر می گذارد و جزو تاراج سال ۴۸ (یعنی پس از ۱۶ سال که از کودتای می گذرد) هرگز موفق نشد یک هسته و تشکل انقلابی کوچک را تشکیل دهد و همیشه در پیله خودخواهانه خودتنبیه، بخصوص که پس از سال ۴۲ کسانی که بسیار به املاط کمتر از او تحربه داشتند موفق به ایجاد تشکلهای انقلابی منجمله سازمان مجاهدین و سازمان چریکهای فدائی خلق شدند. آقای فارسی در سال ۴۲ هم از اینکه مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ بدون املاط کشته شدند تکیه میکرد و به درستی به این ضعف بزرگ پی برده بود، اما حرف

نظارات و اجتماع های مختلف با حمله به بیکر-ترین دشمنان امپریالیسم یعنی کمونیستها آت به آسباب امپریالیسم آمریکا ریخته است. هرچند که اینجا و آنجا مجبور بوده است زست های خدا شیرالهتی نیز بگیرد تا بتواند همچنان توده های نا آگاه را فریب دهد و از چنین جزئی جز این نیز انتظار نیست چرا که رشد انقلاب وسیع مردم حول شمارهای رادیکال تر منافع سرمایه داران را با خطر میاندازد.

حزب جمهوری اسلامی در تمامی سیاست های سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک هیئت حاکمه نظیر تهاجم علیه خلق کزد، مطبوعات، تشکیلات و اعمال نظردرا انتخابات خبرگان، ... نقش مهمی برعهده داشته و در به تمویب رساندن قوانین ارتجاعی در مجلس خبرگان نقش اصلی را بازی کرده است.

این حزب بدلیل ماهیت طبقاتی خود عمیقاً بر ضد کارگران عمل میکند. بطوریکه حتی با تشکیل هر نوع سندیکا که مخالف است، و بجای آن "شورائی" مرکب از سرمایه داران و دموکراتها را که راکر را تحویل می کند و البته تحت این پوشش که در رژیم جمهوری اسلامی دیگر استثمار و فرود از زمین می رود! و لزومی به تشکل مستقل کارگری نیست! همچنین این حزب در اول ماه مهر و زجهانی کارگر پیشنهاد داد که روز دیگری را بجای این روز بستان روز کارگر اعلام کنند تا بقول خودشان اسلامی باشد! و دیدیم که عملاً روز ۱۱ اردیبهشت را که روز جهانی کارگر بوده و حتی رژیم شاه نیز فا در نبود آنرا نادیده بگیرد از فهرست تعطیلات رسمی حذف نمود!

اما اگر در اوایل تشکیل این حزب توده ها نسبت به آن توهم داشتند و اگر این حزب با بسیج روحانیون و سوء استفاده از اعتقادات توده ها توانست در ابتدا نفوذی در بین مردم بدست آورد امروز با روشن شدن ماهیت این حزب مردم فریب، بهمان نسبت توده های بسیاری از آن کناره گیری میکنند و دشمنان و احساس تنفر نسبت به گردانندگان اصلی آن بسوی انقلاب و بسوی سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست روی می آورند.

کاندیدای این حزب

با این توضیح و با توجه به اینکه انتخابات در شرایطی انجام می گیرد که دیگر هرگونه توهم نسبت به دموکراتیزه کردن سیستم با بردن "شماره ۱ در دست" در بین توده ها از طریق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، در بهترین حالت خودخواه خیالی است! باینکه این حزب چه کمکی را کاندیداری است جمهوری کرده است؟ آقای جلال الدین فارسی.

حزب جمهوری اسلامی، "حزب حاکم" حزبی است در خدمت سرمایه داران و زمین داران. هرچند که این حزب همیشه می گویند نیات و اهداف واقعی خود را در زیر پوشش مذهب عوام فریبانه مخفی سازد، اما کارنامه حزب در همین مدت پس از قیام آنچنان است که بسیاری از مردم به ما هیت واقعی آن پی برده اند. این حزب که از جمله احزاب خلق الساعه پس از قیام است، بسویله کسانی چون بهشتی، رفسنجانی، باهنر و موسوی اردبیلی و... تاسیس شد، موسسین این حزب و رهبران و افراد موثر آن عمدتاً از سرمایه داران و زمین داران بزرگ هستند. آقایان بهشتی، باهنر و رفسنجانی از جمله سرمایه دارانی بزرگ و بزرگترین حشده که در سالهای پس از ۵۵ یعنی در زمانیکه مبارزین انقلابی ما بدست شاه جلاد به شهادت می رسیدند و توده ها تحت فشار و ستم روز افزون رژیم شاه قرار داشتند، به خرید و فروش زمین و خانه سازی مشغول بوده و از این طریق پولهای هنگفتی بحسب می زدند، و امروز نیز از طریق شرکتها و نظیر "شرکت ساختمانی و بازرگانی اهداف" به استثمار خلق ادامه می دهند. آقای رفسنجانی نیز از همین قماش است. او با آقای تولیت سرمایه داران و زمین دار بزرگی که تولیت آستان حضرت معصومه را (در زمان شاه و در سالهای قبل از ۴۱) در اختیار داشت به خرید و فروش زمین های بزرگ و شهرک سازی نظیر "شهرک البرز" و "شهرک سالاریه" در قم مشغول بود و از راه بورس بازی و بسا زوبین فروشی ثروت هنگفتی اندوخته است.

با این حال این آقایان امروز با بی ندارند که از "برابری اسلامی" و "از بین رفتن استثمار" حرف بزنند و خود را حامی دواشته "مستضعفان" نشان دهند و از سرمایه دارانی توده ها همچنان حکومت کنند. حزبی با چنین بنیانی گذارانی از منافع چه کسانی دفاع کرده و مدافع کدام طبقه خواهد بود؟ سرمایه داران و زمین داران؟ یا کارگران و زحمت کشان؟ ما در طی مدت پس از قیام شاه دیده ایم که اینان چگونه مدافع سرمایه داران بوده اند، چگونه در تدوین قانون اساسی خبرگان حداکثر کوشش خود را بکار برده و منافع طبقه خود را حفظ نمایند و همه اینها را با پوشش عوام فریبانه "یا لیکست مشروع" جامعه تقدس یوشا ندند.

این حزب پس از قیام بهمن ماه و بمحض بوجود آمدن شما می تلاش خود را بکار برده است تا ذهن مردم را از دشمن اصلی خلق یعنی امپریالیسم آمریکا منحرف سازد و آنها را علیه کمونیستها و نیروهای دموکرات بسیج نماید. این حزب با شعارهای انحرافی نظیر "کمونیست نابود است، اسلام پیروز است" در

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

میردند. کمونیستها، دموکراتها و مذهبی ها همگی همکاریهائی داشتند از امکانات مختلف بینجاری مبارزه با رژیم استفاده می نمودند، منجمله راديو مطبوعات، پایگاه های امن نظامی و وسایلی، بسیاری از آنها حتی نامی از خودشان بجانگذا رده شهید شده اند. اما آقای فارسی کدام اقدام جدی قدرز می را انجام داد؟

۲- حزب جمهوری اسلامی امروز که بساط تبلیغات اقتصاد کرده ادعا میکند که گاندیدای حزب برای تدارک جهاد مسلحانه از چند سال پیش فعالیت میکرد است ولی حزب فراموش میکند که یکی از رهبرانش، هاشمی رفسنجانی، در اوایل روزهای روی کار آمدن رژیم جدید، افتخار میکرد که مردم دست خالی به استقبال تانکهای ارتش شاه میرفتند و فریادی زدند که "رهبران ما را ملحق کنید!" ولی ما (رهبران) می گفتیم، نه، خالا موقع نیست! آقای هاشمی که دستش در جریان توطئه مارش! میر - یالیم، لیبیرالها و رهبران مذهبی، بخون هزاران تن از توده های انقلابی ما که خواستار راجع بوده و دست خالی جنگ با دشمن می رفتند، آلوده است امروز برای تبلیغ گاندیدای خود تا مدگی برآورد مبارزه مسلحانه را بر مردم می کشد. راستی که خیلی وقاحت می خواهد!

۳- در این جزوه تبلیغاتی به اصطلاح تلاش های شوریک جلال فارسی در سالهای گذشته اشاره شده منجمله اینکه ۱۰ جلد کتاب با القید بر ترجمه کرده و ۳ جلد هم در رد ما رکسیم کتاب نوشته است. بدینست بر سر هم کسی که در آن سالها بنا بر ضرورت و اجبار در خارج و در ارتباط مستقیم با نیروهای انقلابی داخل می خواست علیه رژیم مبارزه کند، واقعا فرصت سرخراندن نمی یافت، چطور آقای فارسی سرحوله ۱۰ جلد کتاب با القید برآورد نوشته و ترجمه کرده است؟ واقعیت این است که او در لبنان و بعداً در سوریه سکونت داشت، کتاب ترجمه میکرد و به تهران می فرستاد و ناشران سرگرم بدین درد سرا نسور می توانست این کتابها را "روزنند" را با اجازه ساواک چاپ کند، پول ترجمه را برای آقای فارسی می فرستاد. بدینست همین جا توضیح دهیم که کتاب "الغدير" (درعربی جلد بزرگ و در فارسی ۱۰ جلد) نوشته فردی بنام شیخ عبدالحسن امینی است. او اوضاع ایرانی اهل خوی و ساکن نجف بود هدفش در این کتاب این است که به روشی و مستمسکی ثابت کند که "علی برجق است نه عمر!" مولف این کتاب که در سال ۴۲ به ایران آمده و در برخی از شهرستانها بر منبر میرفت و برای کتابخانه ای که در نجف درست کرده بود پول جمع میکرد و همین کتاب القید بر تبلیغ می نمود در سخنرانیهای خود در مساجد کارش را من زدن اختلاف شیعه و سنی بود. او از نسبت دادن بدترین دشمنان به ابوبکر و عمر و عثمان امتناع نداشت.

در مسجد جامع همدان، علیه عثمان و عمر چنان حرفهای زد که حتی برخی از روحانیون غیر مبارز نظیر آیت الله مطهری پس از شنیدن این جریان، او را یک دوست نادان شمردند. اینچنین و با ترجمه این کتابها آقای فارسی با رژیم شاه مبارزه میکرد و نیز با نوشتن ۳ جلد کتاب "درشاهی نظامی و ترجمه جنگهای جریکی و آماده - سازی برای بازجوانان و افراد ایرانی به اردو - کا های فلسطینی بود". آقای فارسی، فرار خود

از قبول مسئولیت و کار انقلابی در آنروزها و بنا به بردن به کنجی دنج در لبنان را "هجرت" مینامد و هیچ روش نمی کشید که بدون یک تشکیل مخفی و انقلابی در داخل کشور چه گسائی را میخواست تحویل بکرد و با کمک فلسطینی ها، آموزش نظامی دهد (ما کاری بدرستی یا نادرستی چنین برنامه ای در آلمان نداریم) آقای فارسی تا سال ۵۲ یعنی ۳ سال پس از آنکه در لبنان بوده از عهده تربیت محلی برای آموزش نظامی بکنفرانس جوان ایرانی (که کول تبلیغات فارسی و آشنا هایش را خورده بود) بر نمی آید و ۳ ماه تمام او را علاف کرده بود و دستش بجائی بند نبود. همان نوجوان و همبختی که از وضع ناکسترا مطلع بودند همگی می و حاضرند! تا سال ۵۶ رابطه آقای فارسی با فلسطینی ها جز در حد تماسی - های فردی و نیکو رانیهائی که در آلمان هر کسی می - توانست در خارج از کشور بزند تا وزنگرد. فارسی کارش این بود که مافری آشنا از ایران را بسا بدو مغزا و ربا یکمشت ادعا های پهلوان پنبه ای در مورد "مبارزه اش با رژیم شاه" پر کند و دست آخر از او بخواهد که از ایران برای او کمک مالی بفرستد! عهده آری از خوش خبالی چنین کرد و ندلی سدها که انشوری نتیجه ای از او ندیدند، دست از کمک و رابطه با او کشیدند. یکی از همین افراد هم اکنون پست مهمی در سپاه پاسداران دارد که او هم می و حاضر است!

۴- استفاده از فلسطینی ها امروز به بدترین شکلی در ایران جریان دارد و حزب جمهوری اسلامی (بعنوان حزب حاکم) با ابوجا دیپورت رسمی ملاقات میکند و عکس او را با آقای جلال فارسی در صفحه اول روزنامه اش چاپ می رساند! کهای مردم به این آقای رای بدهید که هم دوش انقلابیون فلسطینی است! زهی بیشرمی! آقای فارسی هم نشست و برخاست با دوفرا زوشتنگران عضو الفتح بنام "منیر شقیق" و "دکتر عمر محبوب" را افتخار خود میداند ولی از بیخ فراموش می کند که این هردو از ما رکسمیهائی معروف عرب هستند. آقای فارسی که از مغزا استخوان ضد کمونیست است چه وجه مشترکی با آنها داشته، جز آنکه نام آنها را فرصت طلبانه در آنکپی تبلیغاتی خود درج میکنند تا مردم را بفریبند! حزب جمهوری اسلامی فلسطینی ها را در ایران برای دوشیدن می - خواهد و گرنه میراث امروزه تنها رژیم به انقلاب فلسطین کوچکترین کمک نمی نکرده، بلکه هر روز از سوی روزنامه حزب جمهوری اسلامی در معرض "تیروطن" نیز بوده است (ما در برخی شماره های گذشته پیکار به این سو، استفاده اشاره کرده ایم).

۵- در جزوه تبلیغاتی حزب فراگیر بنفع آقای فارسی حرفهای بی پایه زیادی گفته شده اما هیچ اشاره ای نکرده است به اینکه طی ۹ سال که آقای فارسی در خارج به کنجی دنج خزیده بوده - قل کدام مقاله یا مطلب افشاگرانه را علیه رژیم شاه و آنهم در روزنامه های خارج کشور انتشار داده است؟

از سال ۵۵ به بعد پس از اقدام مقررمانه انقلابی بیون ایرانی درسا هکل وادامه فعالیتها و انقلابی از سوی گروهها و سازمانهای رزمنده و خشم و کینه و خشیانه ای که رژیم شاه علیه مردم ایران بکار می برد و همچنین ابفای نقش ژاندارام امیربالیسم در منطقه خلیج و خاورمیانه، بهترین زمینه های افشاکری را در خارج کشور فراهم می نمود. جوانان و نیروهای انقلابی چه وابسته به سازمانهای انقلابی درون کشور و چه بصورت فردی به اقدامات زیادی دست

خیزی رازدن آنهم برای خود نمائی با هر علت دیگر یک مسئله است و عرصه آنجا مویاده کردن یک اقدام انقلابی آنهم در دوران بسیار سخت گذشته، مسئله ای دیگر. آقای فارسی تا سال ۴۸ با در برستان کمال و قدس درس میداد و در اداره طرحها و برنامه های وزارت آموزش و پرورش در تدوین کتابهای درسی آریا مهری (البته بخش مذهبی اش) دست داشت و همکارا و آقای با هیرود گسرهشتی بودند که امروز لایب سیاسی خدمات انقلابی و دلاوریهای گذشته - شان! در "نورای انقلاب" جای دارند.

دروغهای دیگر

۱- جزوه مرور (الابدرا) ساسی تاربی که آقای فارسی از خود نوشته) چنین می افزاید که کوبا جلال فارسی با مجاهدین حنیف نژاد - به این نتیجه می رسد که حنیف نژاد اساساً زمانی متشکل و مخفی برای مبارزه با وجود اردو و به کار تشکیلاتی دقیق و مخفی بپردازد و در ضمن با آیت الله طالقانی و فارسی هم در مسائل با تدوینا صورت علسی در ارتباط با خط سیاسی - انقلابی امام خمینی قرار گیرد. "فرصت طلایی این حضرات چنان چشمان را کور کرده است که چشم با دیگران راهم باور نمی کنند! آقایان، تلاش ما دقانه و مجاهدات بیکرکسانی ما نیستند مجاهدین حنیف نژاد چه ربطی به آقای فارسی دارد که امروز مواضع کینه توزانه خود علیه "مجاهدین" را فراموش کرده، در آنکپی - تبلیغاتی انتخابانی خود را به آنها می جسانند؟ در سال ۵۵ زمانیکه دستگیری مجاهدین و محاکمه آنها پیش آمد و سرودا پیش در داخل و خارج کشور بهجید و تقصیر چند سال کار مخفی سازمان مجاهدین و تعداد دستیاران آنها و آموزش گرفتن برخی اعضا در پایگاههای فلسطین و ورودن هواپیماهای ایرانی از دبی - به عراق و نجات مجاهدین زندانی در دبی، بر سر زبانها افتاد، آقای فارسی که خود در آلمان در کونه "دنی" در لبنان با عراق جا خوش کرده بود (و شاید در خواب هم نمی دید که همان جای دنج را روزگاری بعنوان مکان "هجرت" به "موطنشان" نا آگاه معرفی خواهد کرد) رهبران مجاهدین را تحقیر میکرد که چرا آنها را تشکیل و فعالیت سازمانی بی خبر گذاشته اند! در حالیکه روشن بود چرا ایشان را بی خبر گذاشته بودند چونکه به این حساب اعتماد داشتند!

۲- آقای فارسی حتماً باید دارد که چگونه پس از انتشار دفاعیات قهرمانانه مجاهدین سعید محسن در خارج کشور، او را در حضور چند نفر از طلاب نجف که نسبت به مجاهدین مبنائی داشتند، "خلی" و "دیوانه" نامید. چگونه همین مجاهدین حنیف نژاد را که امروز می گویند با جیبا نیدن خود به و آبرو برای خویش دست و پا کند، "نی سواد" می نامید. هنوز یکی از طلاب نجف که از این حرف جلال چنان ناراحت گردید که به برتقال نیم خورده را از سرخمش بر صورت جلال کوفت، می و حاضر است! (و سفیر ایران در یکی از کشورهای همسایه است).

۳- در جزوه حزب فراگیر آمده است که "جلال فارسی در مرداد ۴۹ به لبنان سفر کرد. علت سفر او به لبنان و فلسطین (!؟) فراگیر - آموزشهای نظامی و ترجمه جنگهای جریکی و آماده - سازی برای بازجوانان و افراد ایرانی به اردو - کا های فلسطینی بود". آقای فارسی، فرار خود

وبسره انتخابات
زیست جمهوری

بسته از صفحه ۱۳

"قانون" و "امتنیت" ..

محروم مانست. این "نظم" و "امتنیت" درست نقطه مقابل نظم و امتنیت است که خلفای مادی در نظر دارند. "امتنیت" مورد نظر مدنی، دشمنی و کینه است. ناپذیری با منافع و خواسته های خلقهای تحت ستم مادی دارد. این "نظم" حزارت، جبار و استعمار و کشتار سیر حیا نه خلقهای مادی برای آنها ندارد. مدنی جلاد در پی ایجاد "امتنیت" است که ستمگری و حاکمیت سرما پدران و استعمار امپریالیستها را سرکازان و حاکمان و دشمنان مادی را مسمیت بخشد. این هدف نه تنها هدف مدنی، بلکه هدف تمامی کسانی است که برای صاحب ماشین دولتی حاضر یعنی صاحب ارتش و بوروکراسی سازماندها و رژیم سابق که در اساس خود حافظ و نماینده منافع امپریالیستها و سرما پدران و استعمار، تلاش میکنند. پس مدنی، بنی صدر، قط زاده، حبیبی، فروهر و ... هیچ تفاوت کیفی وجود ندارد. هدف تمامی آنها استعمار این "نظم" و "امتنیت" جنبشی است.

اختلافات مدنی با کاندیداهای دیگری چون فروهر، بنی صدر، حبیبی و ... در چارچوب حفظ این مناسبات است و نه نقیض آن!

هدف تمامی آنها سرکوب مبارزات بوده ها و ایجاد شرایط مناسب برای غارت سرما پدران و استعمار و امپریالیستهاست. اختلافات آنها ممکن است تنها در شیوه پیاده کردن آن باشد. مثلا اگر مدنی از طریق کشتار خلق عرب، مبارزات حق طلبانه آنها را سرکوب میکند، فروهر و حبیبی و دارودستان مدنی میکنند از طریق مداخلات مذاکره و ایجاد تفرقه و دودستگی در صفوف خلق کرد این هدف را پیش میبرند. (هر شبیه این نوشته از جزوه "مدنی، جلاد خلق عرب را بشناسیم!" از انتشارات کمیته خوزستان سازمان پیکار ... استفاده شده است.)

بدان رای داده اند. با توجه به این دو مطلب، خاسته و نیست به عمل به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حتی در نزد خرد سالان) مسلم است.

۲- پس از شوال تهران درباره شناسایی کاندیداهای مشهد از مرکز آمار مشهد، دوسر ایرانی الاصل بودن آقای حلال فارسی به وزارت کشور اطلاع شده. در این صورت آقای رستم جانی سرپرست وزارت کشور با این مطلب رادریافته پس به قانون اساسی خیانت کرده و باید در شناخته شده و در هر دو صورت شایستگی یائی مانکن در آن مقام را (به ویژه در ایام فعلی که پای دوا انتخابات در کار است) ندارد.

مشهد مقدس ۵۸/۱۰/۲۵
علی تهرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر امام امت، شما در نامه که با تکیه بر آمار مشهد فارسی اطلاعیه اشاعه کرده و حزب جمهوری اسلامی را ناپسندیده و دشمنی کرده. حضور این کلمه و ... به حق است و ...
توجه داشته باشید که این کار و شیوه، نقطه ای که به صورت خطای آن است. در همه کارهای احزاب را -

قانون اساسی و تقلار "انتخابات خبرگان" حرفی از ولایت فقیه میماند و با وجود نوشته پس از سوار شدن بر خرمرادای پسین حاکمیت و حقوق خلق را زیر پا گذاشتند؟ یا مثلا حامی رفسنجانی می گویند: "با ره کردن پوستها کارنا مردای است". باید گفت شما با دستجات چاقو کش و چماق بدست حزب اللهی و با مدتی نوشته پوستها پوستهای دیگران بلکه سینه آنها را هم باره کرده اید و حالا که برخی از زلفا - بتان (والله است از قماش خودتان!) مقابل به مثل کرده اند و قریب دستان بلند شده است که این کارنا مردای نه ای است! بقول شاعر:
بگری مال مسلمان و جومات سیرند
بانگ و فربا دیر آری که مسلمان نیست
هر چه رسوا تر باد چهره عوام فریب
حزب جمهوری اسلامی

مرکز امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸/۱۰/۲۵

اعلامه شماره ۵۷

● با وجود اطلاع قبلی از غیر ایرانی الاصل بودن "فارسی" چرا ۲۵ میلیون تومان صرف تبلیغات برای او شده است.
● ارتباط بین دو عضو شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با امپریالیسم!

شورا برنده شوند، اعتراض دارند.

ملت از امام امت توقع دارد برای ایمن جاست و حفظ انکار عمومی و سرکوب و ستمی دست اندرکاران در این امر، از مقام خود حافظ شوند و نیز خوب است از اعضای شورای لایه ها و سوسیالخواه پرونده و دفتر از آنها را که ما میسر - انتظام شریکند، ارائه دهند تا کوبیده یکس از سکاران را زندان و بقیه را ابرشته شده اند.

● امام امت، فردیکه امام خمینه تهران کرده اند، برای دوستان جاه طلبی او روشن است. نه معلومات در خوردگری دارد و نه مایه. مستحکمی و با وجود علما و فضیلتی بسیاری در تهران که مسلم از این کار ناراحت می شود، صلاح است تجدید نظر نماید و با افراد بی نظر مشورت نماید نه با افراد جاه طلب و دست اندرکار. خدا می داند با آنکه جز کار علمی برای هیچ کار دیگری مهیا نیست و ذره ای دلچسپی به دنیا و اهلش ندارم در این مرحله وظیفه شرعی خود می دادم با نادرستی ها که به جامعه ختم می شود و تاریخ انقلاب اسلامی را لکه دار می کند، توسط نوشتن و عرضه به مجتمع اسلامی، مبارزه نمایم. اگر دستوری هست توسط حضرت جعه الاسلام و المسلمین آقای تولی عتاب فرمایند.

.....

پسرو این نامه که به امام ارسال شد، نظر ملت مسلمان شریف و مبارز ایران را به تنگنا کسی روشن جلب می نماید:

۱- لا اقل آقای حلال فارسی بدرومادر خود را می شناسد و می داند افغانی بوده اند و نیز می داند خودش درست پس از ۱۸ سال تمام، شایسته ایران را پذیرفته و شناسنامه ایرانی گرفته و نیز در مجلس خبرگان وکیل بوده و مدارا طرف اهل بکمد و با بندهم بحث کرده و مشاهده کرده که اکثریت لازم

آقای فارسی همین اخباری که در جلد از همس کتاب، در دوران شاه و بر نظر واک جاب ندو به بازاری آمد. به آقای فارسی و حزب او با بدترین گفت که با دشمن ترین دشمنان رژیم وابسته به امپریالیسم است یعنی کمونیستها مبارزه کرده هم - دوش با شاه و با تاشید واک مارکسیسم را بحال خود رد کرده اند.

اینها بودا شاه ای به برخی از نکات که در جزوه تبلیغاتی حزب فراگیر ارجاع به آقای فارسی آمده بود. آقای فارسی البته خودشان هم در محبه داغ تبلیغاتی و عوام فریبی دست کمی از حزب بی نظیر خود ندارند. ضمنا در این میان گاه حرفهای راستی هم میزنند که "دشمنان خودشان را بیشتر افشا" می کنند:

مثلا حلال فارسی میگوید: "ما به مجلس خبرگان رفتیم که ولایت فقیه را تصویب کنیم". با بدترین شما که حسین هدفی داشتید، اگر نوشته ای در کار نبود و وحشی از مردم ندا شنید چرا نه در پیش نویس

نامه، شیخ علی تهرانی در رابطه با کاندیدایی جلال الدین فارسی و رهبران حزب جمهوری اسلامی و اعضای شورای انقلاب به آیت اله خمینی:

برای اینکه حزب جمهوری اسلامی، کاندیدای خود را که حتی ایرانی الاصل نبوده است، با هزار دروغ و سیرت و تبلیغات سرمد بخسولاند، طبق خبر موشکی ۲۵ میلیون تومان صرف تبلیغات کرده است. برای کسانی که ممکن است این مبلغ به نظرشان عجیب باشد یادآوری میکنم که حدود ۸ نوع پوست از اشغالیاتی برای تبلیغ حلال الدین فارسی دیده شده است. این پوست از طریق روحانیون و دیگر وابستگان به حزب جمهوری اسلامی نه فقط در سطح شهر بلکه تا روستاها نیز پراکنده شده و همه جای را از پوست و اعلانات تبلیغی او ... و این هادر جالی انجام گرفته که حتی برخی از روحانیون نظیر آقای نج علی تهرانی (عضو مجلس خبرگان) نیز در این مورد قیلا به حزب و مقامات مسئول، ایرانی الاصل نبودن "فارسی" را کوشید کرده بودند! در زیر لفظی از نامه شیخ علی تهرانی به آیت الله خمینی رادراین مورد ملاحظه میکنید. قابل ذکر است که در این نامه به ارتباط و دفتر از به دفتر آقایان بهشتی، رفسنجانی، خامنه ای با امپریالیسم اشاره شده است

بسم الله الرحمن الرحيم
محضر امام امت، شما در نامه که با تکیه دوبار از آمار مشهد به وزارت کشور ایرانی الاصل نبودن آقای حلال فارسی اطلاع شد اعتنا نمی کرد و حزب جمهوری اسلامی برای تبلیغ ازنا مسروده سلسوبها تومان مصرف نمود و حتی با ناسات شدن زردنما و دستورها، هنوز اطلاع نکرده اند و به مصرف اموال این ملت فقیر در راه تبلیغ خلاف قانونی نان ادامه می دهند.

توجه، وضعی به این کار و نیز به نوشته ای که معروف شده که در زیر پوشش فارسی به نشر آقایان بهشتی، رفسنجانی و خامنه ای می خواهند کارهای اجرایی را بدست گیرند و قهرادر انتخابات مجلس

فرصت طلب زیاد است:

فارسی نشد حبیبی، این بورژوا لیبرال "مهاجر"!

بهری مال مسلمان و چو مالت سیرت
با ننگ و فربا دیرآری که مسلما نی نیست!

شوده که سالیان در از فرب و شیرتنگ حکام
وقت را خورده اند؛ امروز حد کافی تجربه دارند که
سر را از ناله سره را ست زان دروغ با زشتا سند و سر
اساس آن قضاوت کنند.

"حزب فراگیر" جمهوری اسلامی کدپی بکمال
گذشته، با رها شدنش با زنده و صرفاً با پناه گرفتن در
پشت دیوار پلنگد توهمات توده های نا آگاه و خست را
نجات داده است، "حزب فراگیر" کدامان دروغ -
گوئی، لاف زنی، عوام فریبی و اقدامات ضد انقلابی
خود را در جریان رفتارند اول و دوم و انتخابات
"خبرگان" داده و کوی توپیرها و نقلیهایش به گوش
مغیر و کسیر هم رسیده است، در جریان با اصطلاح
انتخابات ریاست جمهوری بیش از آنچه تصور میشد،
مفصح گشت، از کینه مردم، مصالح کلانی مبرر
تسلیمات برای حلال فارسی نمود. هر چه توانست به
نیروهای انقلابی و مترقی تاخت، دروغ ست و تا
آنجا که امکان یافت دروغ کاندیدایش جلال فارسی
با و ست و کوشیده توده ها را بفریبید...

اما موج روبه اعتلای مبارزه خلق های ما - از
یک طرف و تفرقه های درونی هیئت حاکم که تفرقه
آنها را در تجربه نپذیرم معرفی میکردند، از طرف
دیگر این حجاب را همترکانند و ستوان کردن
ایرانی الاصل نبودن او از دور خارج شد "حزب
فراگیر" که بنا بر مستقماً از قیاس "خودی رودت"
حورده بود به عز است، تحت الاطام خامه ای سیا
تا کد شما مظهر را داشته بود که اگر فارسی انتخاب
نشود انقلاب برای تداوم خود تضمینی ندارد
(جمهوری اسلامی ۲۳ دیماه) اما این عامل تضمین
تداوم انقلاب، این حقه جدید دیگر کارساز آمد.
"حزب فراگیر" بدست و پا افتاد، جلوه پشیمت
حلیه تشکیل شد و گردانندگانش برای چاره جویی به
قم رفتند، حزب که عمده هرهای اداری کشور را
مستقیم و غیر مستقیم در دست دارد و پیوسته در وزارت
کشور که "ریش و قبیحی" را هم دست خود گرفته است، از
زمان دگرآیت اعلام کرد ممکن است انتخابات
بشعوب افتد؛ و همین پیشنهاد را در تعلق تلویزیون
نیش نیز تکرار کرد، چنین موقع بکانه ای از طرف
"حزب فراگیر" غیر منظره نبود، بقول سعدی:
چو افتاد در طاس لبرفته مور
رها نیند تدمیر باید نه زور

فصل نیزها شمی رفعتجانی سرپرست وزارت کشور
گفته بود: "در مناطق نا امن (کردستان و...) من
مندوق نمی گذاریم". یعنی حالا که کردها به ما رای
نمی دهند و از کاندیدای معاهدین خلق بخاطر مواضع
مترقیانهاش پشیمان شده اند، "گوچند ملیسیون
ایرانی کرد میاد!" همین آقای رفعتجانی که
کینه کوروموسو مغریهای خصمانه اش علیه نیروهای
مترقی را فراموش نکرده است چند روز قبل گفته بود:
"بپاره کردن پوسته ها کار مردانه ای نیست" (اطلاعات
۱۸ دی) و "فراموش کرده بود که حزب ایشان شش
امروز دست همه متجاوزان به آزادی بیان و قلم را
ارست بسته است تا وقتی که حزب طی بکمال گذشته
خود به پاره کردن پوسته ها میرسد اذت هیچ عیب و
ایراد نبود ولی حالا که پوسته های حزب نه وسیله
نیروهای مترقی - که در آستان نیست - بلکه
وسيله همالکی های خودشان بهره شده است، آقای
رفعتجانی نشان می آید و با بقول سعدی:

کمین کاها و سوره های ساواک جان با خند و با تنگد
و سارت و مشقات سالیان درازی را جان خریدند.
آقای حبیبی طی آن سالهای سیاه کسه
داشجویان چپ مقیم خارج از کشور، در کسند را سیون
جهانی داشجویان، در اشاکری، در براب انداختن
نظا هرات و مقابلده نیروهای پلیسی فاشیست در
آلمان و آمریکا و فرانسه و... سرا زبا نمی شناختند
کاری جز خریدن در گوشه ای دنج و احیا ناقراشت
آثاری با اصطلاح فلسفی و عرفانی نداشتند، آثاری
که (البته بر اساس منافع طبقاتشان) نه در رژیم
شاه، نه جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا، بلکه
مشخصاً ضد کمونیسم بود.

● آقای حبیبی برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس دولت شاهنشاهی ایران که میوایط دکترا
شرافی کاربازی شده بود، به فرانسه رفت. البته فراموش نکنیم که در آن "حزب" تاریخی آقای
بنی صدر هم به "لطف دوستی عمیق با احسان شرافی" که اکنون سرانجام داشته است همراه ایشان بود.

● آقای حبیبی ۱۵ سال تمام درباریس و در شهر خوش آب و هوای سس (جنوب فرانسه) بازن و فرزند
اقامت داشت. (اقامتی که امروز آنرا **تیمید** و **هجرت** می نامند تا دل خلق الله - که بنا
به وظیفه "شرعی" باید به ایشان رای بدهند حمایتی برای ایشان کسب شود؛ و در همین سالها بود
که انقلابیون ارجمند گذشته میهن، آنها که می خواستند به طریق ممکن در راه رها نشی زحمتکشان
و مبارزه با امپریالیسم تلاش کنند و هر چه که در رند در این راه فدا نماییه تشکیل هیئتها و سازمان
های مخفی و انقلابی همت گماردند و سرانجام با در زندان ها، میدانهای شیر و در کمین کاها و
سوره های ساواک جان با خند و با تنگد و مشقات سالیان درازی را جان خریدند.

ترجمه کتبا با فضل الجها ده که آرایک و وزیر
سر خورد؛ الحزابی در نتیجه فراشار مشارزه
انقلابی نوشته است و نیز ترجمه کتبی از یک نظریه -
بردار سرمایه داری دیگر کتاب کوریج که وظیفه خود
را در اصلاح مبارزه با امپریالیسم دیکتاتوریک
خلاصه کرده است، از جمله "خدمات" ایشان به فرهنگ
(بخوان فرهنگ عدانقلاب) است.

- آقای حبیبی اگر هیچ کاری نیز نکرده بود فقط
از نویسندگان همین پیش نویس اول قانون اساسی
بود برای نشان دادن درک معکوس ایشان از انقلاب
خلقهای ستمدیده ما علیه امپریالیسم و رژیم وابسته
شاهنشاهی کافی بود. قانون اساسی پیشنهادی آقای
حبیبی بدلیل اصول ارتجاعی عقب مانده و ضد انقلابی
آن با رها زوی نیروهای انقلابی کمونیست و
دمکرات خامه ما مورد انتقاد و بررسی قرار گرفته که
در اینجا شایر به انا را مجدداً تکرار نیست. اما
استکه آقای حبیبی در آن زمان نشان نداشت درباریس
آب و هوای قم را اشتیام کند و ولایت فقیه را در
قانون اساسی اش فراموش کرد، نمیتوان سراسر او
گناهی "اشمرد، بورژوازی لیبرال همیشه خرافات
بخاطر منافع طبقاتی خود، بخاطر تعمیم مردم سیا
عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین نهادها عقداشتاد
ببیند و امروز این حقیقت در مورد کسان چو آقای
حبیبی معذای پیدا کرده است، اگر وقتیکه از
"ولایت فقیه" حرفی نمیزد مهم نیست، مهم اینست
که امروزه اهمیت آن بی برده تا آن زمان نداشت
برای ترقی خود سازد، آری، او را به معبوده فلسفه قدرت
را همچون بسیاری دیگر از بورژوازیسرا لیا در دانه
"ولایت فقیه" یافته است، اما آیا توده ها بوی و سه
تنامی بورژوازیسرا لیا و همدستانان اجازه خواهند
داد که زمان درازی سر قلم بنشینند؟ و آنچه را در
راطبا نوبتای سستم سرمایه داری وابسته و
تقویت سلطه امپریالیسم لازم میدانند به اجرا
در آورند؟! ● ● ●

"حزب فراگیر" حالایک دیگرش را بر زمین زد
است، اما این بار میوای نه به نام خود بلکه بطور
غیر مستقیم از دکترا حبیبی حمایت نموده است.
با نگاهی کوتاه به زندگی سراسر مبارزه (؟)
ایشان تصدیق خواهد کرد که "دیوار دروغ هرگز کوتاه
نیست!" در روزی ما میماد ۲۰ دیماه از قسول
"جامعه زنان" (؟) انقلاب اسلامی زندگی نامه او
چاپ شده است، منجمله ای که در آذرماه ۱۳۴۳ به
فرا نه و رفت و بدین ترتیب دوران ۱۵ ساله
هجرت (؟) و **تیمید** (؟) و **هجرت** (؟) را آغاز کرد. اما
حقیقت چیست؟ آقای حبیبی در سالهای ۴۰ - ۴۲ که
برخی فعالیتهای اصلاح طلبانه از نوع حبه ملی
و روحانیت جریان داشت سجوی که هیچ مددای به
ایشان وارد ساید، در برخی نظا هرات حبه ملی
شرکت میکرد، رابطه گرم ایشان با دکترا احسان شرافی
(با دکترا لوگ رژیم گذشته و جامعه تیشا س مورد اعتماد
دستگاه) و همکاری با او در موسسه مطالعات و تحقیقات
اجتماعی دانشگاه ادبیات موجب شد که آقای حبیبی
برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس دولست
شاهنشاهی ایران که میوایط دکترا ترقی کاربازی
شده بود به فرانسه رود، البته فراموش نکنیم که در
این "هجرت تاریخی" آقای بنی صدر هم به "لطف
دوستی عمیق با احسان شرافی" که تاکنون نیز ادامه
داشته است همراه ایشان بود. آقای حبیبی ۱۵ سال
تمام درباریس و در شهر خوش آب و هوای سس (جنوب
فرانسه) اقامت داشت (اقامتی که امروز آنرا
تیمید و **هجرت** می نامند تا دل خلق الله کسب
به که بنا به "وظیفه شرعی" باید به ایشان رای بدهد -
حمایتی برای ایشان کسب شود!

آری در همین سالها بود که انقلابیون ارجمند
گذشته میهن، آنها که میخواستند به طریق ممکن در
راه رها نشی زحمتکشان و مبارزه با امپریالیسم تلاش
کنند و هر چه که در رند در این راه فدا نمایند
تشکیل هیئتهای مبارزه با نمای مخفی انقلابی همت
گماردند و سرانجام با در زندان ها، میدانهای شیر و در

“قانون” و “امنیت” از نظر مدنی

● دوستان با اصطلاح انقلابی و مجاهد مدنی یاسا واکي هستند یا از سرسپردگان رژیم شاه!

کوشن مادر جهت شناختن ماهیت مدنی بعنوان یکی ازگانندیدهای اشغال بست ریاست جمهوری، نسل از آنکه بمنظور افشای خفای او باشد، با هدف افشای رژیم ضد خلقی ای است که این چنین موجود شبکاري، کاندیدا اشغال بست ریاست جمهوری است. در حقیقت رژیمی که منافعی با منافع خلقهای ماسازگاری ندارد به چنین افرادی هم برای اداره امور کشور نیازمند است. از آنجا که طرفداران و تبلیغاتی چنین مدنی بر روی استقرار حکومت قانون و برتری امنیت از طرف مدنی زیاد در صدا را انداخته و خود مدنی هم در مصاحبه های سب از هر چیز بطور مکرر روی آنها تاکید میکند در زیر مفهوم امنیت را مورد بررسی قرار داده، تا سیستم مدنی چگونه “امنیتی” را در نظر دارد.

مدنی این ژنرال ارتش شاهنشاهی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ضمن مصاحبه ای با خبرنگاران، درباره هدفهایش در صورت اشغال این بست می گوید:

“به آزادی احترام می گذارم و به هر قیمتی آنرا حفظ می کنم ولی از هرج و مرج گریزان هستم. ما بد قانون برکت و حکومت گندوا امنیت در کشور برقرار شود.” (با مداد دشنه ۵۸/۱۰/۸) (تاکید از ما است.)

در یک سرخورداده، واژه “امنیت” واژه خوشی است و در حالت طبیعی همه آنرا دوست دارند. مسلماً توده های مردم به امنیت علاقه دارند و خواهان برقرار آن هستند. اما “امنیت” در واقع یک واژه است و فقط شکل مسئله را بیان می کند. آنچه مهم است، ماهیت و معنی واقعی آن و آن مفهومی است که هر کس از این واژه برداشت می نماید. بی تردید هر فرد و طبقه و فردی مطابق با منافع و نیازمندی های این واژه و بسیاری از واژه های دیگر را معنی میکند.

واژه “امنیت” برای توده های تحت استعمار که سالها زیر یوغ امپریالیسم جهانی و مخصوص آمریکا قرار داشته اند، یک معنی دارد و برای غارتگران جهانی و نوکرانشان در ایران معنی دیگری است. شاه مزدور هم ادعا میکرد که رژیم او “امنیت” و “آرامش” را برای مردم ایران فراهم کرده است. اما آماج کمیت بی چون و چرای امپریالیسم آمریکا بر تمام اوضاع اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشور ما، بغارت رفتن منابع زیرزمینی و نفت، غارت و استثمار بی حد نیروی کار کارگران و زمینکنان، تبدیل شدن ایران به ژاندارم و پلیس فائز و سرکوب کردن جنبشهای آزادیبخش منطقه، سرکوب هرگونه جدی حق طلبانه کارگران، دهقانان، زمینکنان و... برکردن زندانها و اسیبهای فراوان و دلبر خلق و هزاران حنابت دیگر و خلاصه “امنیت آریا میری” همان امنیتی بود که خلقهای تحت استعمار می خواستند؟

امنیت برای خلقهای ما معنای قطع هرگونه تسلط و نفوذ امپریالیستهای از زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اخراج مستشاران و وکالتاها، کشورهای امپریالیستی، لغو کلیه قراردادهای تحمیلی نظامی، اقتصادی، سیاسی، بخصوص لغو

قرارداد کنسرسیوم، ملی کردن کلیه منابع و معادن کشور، ضبط و معادله کامل سرمایه های امپریالیستی و... می باشد.

مدنی جلاد خنده خواران قطع نفوذ و تسلط امپریالیستهای از کشورمان نیست، بلکه در پی تحکیم نفوذ و موقعیت آنها در تمام زمینه های اقتصادی، نظامی، سیاسی... است. مثلاً وقتی شورای کارکنان مبارز شرکت حفاری مدکوب مدایران می خواستند دست امپریالیستهای غارتگر را از شرکت های حفاری قطع کنند و مبارزه واقعی و عملی علیه امپریالیسم را در این زمینه تحقیر کنند و با ملی کردن اموال شرکت مذکور، شرکت ملی حفاری را تأسیس نمایند، مدنی در برابر اقدام انقلابی کارگران شرکت ملی نامهای به سرپرستی عملیات مدکوب مدایران در تاریخ ۱۷ مهر ماه ۵۸ کوردانه دستور انحلال شورای مادی را می فرماید. گوشتی شورابندت شخصی ایشان تشکیل شده که حالا دستور ایشان هم منحل شود.

امنیت برای خلقهای ما عبارت است از آزادی کامل احزاب، اجتماعات، مطبوعات، اعتمادات و... افشای کلیه قراردادهای سری که در طول سلطنت شکنج بیلوی از طرف امپریالیستها به میهن ما تحمیل شده، سرکشی شناختن حق تعیین سرنوشت برای کلب خلقهای کشور، درهم شکستن کامل ارتش سمونان یک ارتش ضد خلقی و عامل سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا و ایجاد یک ارتش خلقی.

مدنی درباره حق خودمختاری خلقها میگوید: “من به اسم خودمختاری علاقه ندارم... اما در مورد اداره مناطق باید توجه به آداب و سنن هر منطقه شود و مسلمانی توان تمرکز را چون گذشته حفظ کرد و مثلاً کسی در اینجا بشنید و برای جنوب تصمیم بگیرد.” (با مداد ۵۸ دیماه ۵۸).

اوبار حشمتی تمام درباره مفهوم خودمختاری خود را ابله و کوبیدن نشان میدهد. گوشتی که تمام این ساراب و جنک و جوهر بی دریغ در خورستان، کردستان، ترکمن صحرا و... فقط و فقط برای یک “اع” است که آنها “خودمختاری” است.

مدنی چون همبالیگهای دیگرش در بیوش فروهر باغیان و سعایی که اکنون در گوشه دیگری از میهن مان (در کردستان قهرمان) مشغول توطئه چینی و ایجاد تفرقه و شکاف بین خلق کرده هستند، مفهوم “خودمختاری” را تا حدیک عدم تمرکزنا ده و واگذاری کار استاها به استاها و قبول رژیم حاکم خود گردانی با شین می آورد.

در زمینه ارتش، مدنی (این ژنرال لسی که در ده های سرسپردگی به امپریالیستها را در ارتش شاهنشاهی گذرانده) با تمام قوا علیه مبارزه بر سرل انقلابی توطئه جانی میکند. مثلاً در لنگر ۹۲ رهبری و نیروی درباری که تحت فرماندهی او است، در برابر خود ستای انقلابی بر سرل، اقدام به تحکیم و تسلط و خلقی و سرقراری “طاعت کورگورانه” کرده و دست به اخراج و دستگیری بر سرل انقلابی، از جمله سرگرد سارز “پرویز شاعر” ۱۷ نفر دیگر میریزد. همچنین امنیت برای خلقهای ما بمعنای تأمین

شغلی، آموزش، سنده و بهداشت را بکام برای افراد جامعه، چهل ساعت کار در هفته، تأمین کامل مسکن برای کارگران و زمینکنان، تضمین اوقات و موسسات از اعصاب و آواکی و عوامل مزدور و وابسته به رژیم شاهنشاهی، ملی کردن تمام زمینهای سرورک و تفرار گرفتن آن ذراختیاردهقانان و... میباشد.

امنیت واقعی برای خلقهای محروم و تحت تسلط کشور ما که سالها مورد غارت و هجوم و استثمار امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا واقع شده اند، تنها در تأمین استقلال و آزادی واقعی میهن ما است. مدنی به تنها دست به اخراج و تفرقه و شکاف بین ساواکی و عوامل مزدور و وابسته به رژیم سابق میزند بلکه از آنها بعنوان مشاورین خود در اعلا برتر بین سطوح استفاده میکند. جالب است که مدنی از این افراد مزدور و استثمارگر و مصادره هم با مدنی کند. وی در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی (۱۶ مرداد ماه ۵۸) درباره همکارانش میگوید: “ما کسانی را به کار دعوت کردیم که دربار کسان نبودند نیست... ما فقط دنبال انقلابی و مصادره هستیم... اکنون چند نفر از همکاران انقلابی و “مصادره” مدنی و عوامل سرسپرده رژیم مزدور شاه را به ما معرفی می کنیم:

دوستان آقای مدنی!

۱- محمدالله آصفی (معاون مدنی) هدایت برتریب رژیم عامل کشتار فوج حسینا رکن آبادان!

۲- هاشمی، (مشاور حقوقی شیمیا ز مدنی)، دادستان خونخوار استان مرکزی در زمان دولت نظامی از هاری

۳- توکل ساکت (معاون مدنی در امور سدگی به شکایات)، مزدوری که از طرف شاه خاش مداخل “سرپرستی” دریافت کرده است.

۴- شیخ کریمی روحانی شرومند و مرتجعی که از طرف مدنی به سرپرستی کانون به اصطلاح “فرهنگی اسلامی” اعزام منصوب شد، کانونی که در اینجا دتفرقه و تخمین بین کارگران و غرب و فاساد نقش مهمی ایفا کرده است.

این شیخ مزدور که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید نمایندگی مجلس خبرگان شد، یکی از مداحان شاه خاش میباشد که در کشتار تاحست عنوان “تأسیع الفكر” بمناسبت جشن تولد شاه خوش آمدی، برت و بلاهای زیادی گفته است.

۵- شیخ میا مزروع (روحانی ساواکی) و یکی دیگر از دوستان “پاک” و انقلابی “مدنی است! هم ایشان هستند که از طرف وی ما مورخلع سلاح داشت آزادگان میشوند.

(اسناد مربوط به این دوستان با اصطلاح انقلابی و مصادره و تفرقه و شکاف بین کارگران و غرب و فاساد ملاحظه کنید.)

بنابراین با توجه به آنچه گفتیم و با همین نگاه مخترع و گذار به کار ما به مدنی بخوبی درمی یابیم که “امنیت” و “تطمین” که او وعده میدهد چه ماهیت و معنایی دارد. این “تطمین” و “امنیت” چیزی جز نظم سرمایه داران و وابسته و امپریالیستهای غارتگر است و منظور از ایجاد شرایط هر چه بهتر برای غارت و استثمار و جابول بیشتر و بیشتر توده های تحت تسلط و

بفرد در صفحه ۱۱

۱- ستارکی دانشجویان و دانشمندان هوا دار ماران مقاله هاشمی را که در چند شماره بگزار “در باره مدنی درج شده است بصورت گشای تحت عنوان “مدنی کیست؟” منتشر کرده اند.

در حاشیه انتخابات ریاست جمهوری

تب و تاب انتخابات ریاست جمهوری اوج می - گیرد. فضای کارزار انتخابات آکنده ز کشمکشها و درگیریهاست. کشمکشهایی که از یکسوی آنها هیئت رجایی هیئت حاکمه را در برابر آندسته از نیروهای مترقی که بجای آنرا کاندیدای سازمان مجاهدین خلق - مسعود رجوی - برخاسته اند، قرار میدهد و از سوی دیگر جناحهای درونی قدرتهای حاکم را به رقابت سختی با یکدیگر واداشته است. حزب جمهوری اسلامی که هنوز ستم به قدرتمندترین نیروی سیاسی ضد انقلاب در کارزار انتخابات بشمار میرود امروز رسوا تر از آنست که بتواند با ناتی همچون انتخابات مجلس خبرگان کاندیدای خود را با فتوای روحانیون بکوسی نشانند. از این جهت از انتخاب یک کاندیدای مورد اطمینان که بتواند در جارجوب اصل ارتجاعی ولایت فقیه و ناسازی سد خلقی نبوده و راه حل اهداف خود بسج نماند به سختی درمانده است. علاوه بر حزب شیاد و دعا مغریب جمهوری اسلامی، نیمسارمدنی یک پای دیگر صحنه کارزار است وی میگوید با دادن وعده "نظم و امنیت" (جیزی که بشمار از همه مطلوب بورژوازی است) با یکاه خود را در بین آنان که از با صلاح هرج و مرج موجود خسته شده اند، تحکیم نماید. بیشتر طرفداران او را حامیان وواستکان رژیم گذشته سرمایه داران و ارتشها تشکیل می دهند. بنی مدر دهرمان چارچوب قانون اساسی، اصل ولایت فقیه و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به روشی دیگر عمل مینماید. روش اوسنوان شورسین جمهوری اسلامی و ستم به یک لیبرال "عائل" و "دوران دیش" مبتنی بر فرسرم و اطلاعات لیبرالی برای فرو نشاندن بحرانهای عمیق سیاسی - اقتصادی جا می افتد. قطب زاده ایمن سی هویت ترین کاندیدای ریاست جمهوری بدون آن که بر نامه های ارائه دهد، پشتوانه خود را بر مبنای مدح و ثنای جاپلوسا نو و سراپا مزورانه "امام" قرار داده است. در این میان هیئت حاکمه میکوشد جبهه انقلاب و قطب نیروهای مترقی را بخیال خود بسای اعتبار سازش مسعود رجوی از صحنه رقابت دور سازد. مرتجعینی چون غفاری به بهانه اینک که سازمان مجاهدین آزادان رای به قانون اساسی امتناع کرده، نبوده های مردم را بشدت علیه رجوی تحریک میکنند و اینک با اعلام رسمی این امر از طرف خمینی، کنار رفتن مسعود رجوی قطعیست می باید.

در این میان یک سؤال برای کمونیستها و نیروهای انقلابی که نسبت به ماهیت عدل خلقی رژیم توهم ندارد منطرح است و آن چگونگی تاکتیک و سیاست صحیح در عرصه "مبارزات انتخاباتی" است آیا بمقدور اینک بر نامه ارائه شده از سوی سازمان مجاهدین بر نامه های دمکراتیک و مترقیانه است و حول آن نوعی قطب بندی میان نیروهای ارتجاعی و مترقی صورت گرفته میتوان در این انتخابات شرکت نمود؟ بنظر ما پاسخ منفی است. در واقع جبهه بندی نیروهای مترقی و انقلابی در این جریان حول موضوع کاذبی صورت گرفته که امکان تحقق و ایدیت یافتن آن برای نیروهای دمکرات مغر است چرا که آنها در چارچوب یک سیستم عدل خلقی و در حیطه یک رژیم مایهت بورژوازی و ضد انقلابی عمل میکنند

که بدون هیچ تردیدی اجازه نخواهد داد فردی چون رجوی در اسعالبترین ارگان اجرا شیش قرار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی که آدامه حیات خود را حتی با طرح وسیع شعارها و بر نامه های مترقیانه نیروهای دمکرات علیرغم تمام مکرهایات و توهمات لیبرالیشان در خطری می بینند، مسلما کمترین سرما زکاری با قطب مخالفین نشان نداده و نمیدهد. عملای می بینیم که با اعمال محدودیتهای ضد انقلابی و ضد دمکراتیک رژیم کمونیستها اصولا مکان شرکت در این انتخابات را نیافته اند و حتی امکان تبلیغ بر نامه کاندیدای مجاهدین خلق در رادیو تلویزیون از وی سلب گشته است و علاوه بر این می رسد که وی اکنون مجبور به ترک صحنه باشد. در چنین شرایطی که ساهل ارتجاعی ولایت فقیه و قوانین ضد انقلابی رژیم برفضای انتخابات بشدت سنگینی میکند و کمترین و کوچکترین اصول دمکراسی نیز به هر بهانه ای وسادگی به زیر پا گذاشته میشود، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری چه معنائی دارد جز دامن زدن به توهم مردم نسبت به رژیم و جلوگیری از حداث مبارزه طبقاتی و در عمل کمک به مضمون نگاه داشتن آن از توفا ن جریانه های انقلابی؟ شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در چارچوب حاکمیت رژیمی که حافظ و پادار مفاست - سرمایه داری وابسته است، با وجود قوانین محدود کننده ضد انقلابی و ضد دمکراتیکی که بر سراسر فضای انتخابات حاکم گردیده است و با توجه به اینکه شرکت در انتخابات برای ارگان اجرایی رژیم است، عملا این مفهوم را القا میکند که گوئی هنوز میتوان با رژیم از در سازگاری درآمد. رژیمی که با تلاش آن سرکوب هر چه بیشتر

جانشین انقلابی نبوده و با بر محور رودر روشی سبب مبارزات انقلابی مردم و تمام نیروهای رادیکال جا معه قرار گرفته چگونه جاز می شود نیروهای دمکرات با قدرت رستند و بغرض محال که به ریاست جمهوری را اشغال کرده و بر نامه های خود را عملی سازند. شعارهای مترقیانه مجاهدین، (که البته از نظر کمونیستها دارای ابهامات بسیار است و وسیعتر و عمیقتری است) نظیر سیردن قدرت بدست شورا های مردمی، تحقق بخشیدن به خواسته های خلق کرد و ... در اصل و ثاید علیرغم خواست مجاهدین یعنی نفی حاکمیت رژیم و طبیبنا هیئت حاکمه حتی از طرح وسیع این شعارها به شکلگی که بتواند جلوگیری مینماید. در چنین شرایطی شرکت در انتخابات ارگانهای اجرایی رژیم تنها یک مانی و تاکتیک رفرمیستی و اصلاح طلبانه ارزیابی خواهد شد.

میلم است که عدم شرکت ما در این انتخابات بهیچوجه بمعنی رد کردن شعارهای مترقیانه ای که از جانب مجاهدین داده میشود نیست، بلکه ما از این شعارها بطور مشروط پشتیبانی میکنیم. بدین معنی که ما بطور مثال از شعارهای حق شعبین سرسخت، برابری زن و مرد و بهبود زندگی کارگران و دهقانان و ... همه و همه پشتیبانی میکنیم، اما ما محتوایی که خود آنرا قبول داریم و با شعارها آنرا در بر نامه حداقل کمونیستها در جمهوری دمکراتیک خلق توضیح داده ایم و طبیبی است که استنباط ما از این شعارها با استنباط مجاهدین فرق دارد. همانطور که در کردستان دیدیم. مجاهدین عملا در سرورش تنها جم هیئت حاکمه به گردستان سکوت کردند و آنرا بعنوان یک تاکتیک شورسینه نیز کردند. در حالیکه تاکتیک ما پشتیبانی فعال از خلق کرد و خواسته های بحق آنان یعنی پشتیبانی و مبارزه برای خود - مختاری واقعی بود.

نگذاشتیم که برما جل بالاتر (زندان اوین) برسد. در پایان با زجوشی می خواستند از کارگران تمهیدی بگیرند یعنی بر اینک به کارخانجات دیگر کاری نداشته باشند، که یکی از کارگران دستگیر شده گفته بودند زمانی که در کارخانه ها زورگوئی و استعمار وجود دارد ما را هم در کارخانجات دیگرخواهیرجید. همه کارخانه ها را و همه کارگران را برادران و خواهران ما هستند. هنگامیکه نامی برای سرکوبی ما از پاداران کمک میکشند در اینجا ما باید کوچک ترین حرکتی اسلحه را بر روی کارگران بگیرند چگونه ما از کارگران دیگر کمک نخواهیم. در اینجا بود که ما دوستان و دشمنان خود را بخوبی شناختیم و دیدیم که عمال کارخانه ما مثل کمیته حاج موسوی چگونه با زدن تهمت ها و نای از قبیل بی غیرت، اخلاک و ضد انقلاب سعی دارند دوستان ما را از ما دور کنند. ما کارگران در مدت کوتاهی در بر خورده ایم. همان با مراج دولتی و کمیته ها تار بزیادی را آموختیم که برای آموختن آنها به ما لیا وقت احتیاج بود. فهمیدیم که مبارزه مثل یک مایه است که در یک طرف ما کارگران هستیم که تنها اتحاد ما سراسر داریم و در طرف دیگر سرمایه داران و حامیان نشان قرار دارند. در این مایه حریف (سرمایه داران) منتظر تفرقه، سستی و ضعف در بین ما کارگزاران هستند و گوشت میکنند که به شکل و لیباسی در میان ما رخنه کنند و تفرقه بیندازند، زیرا بخوبی در - یافته اند که تنها راه پیروزی ما اتحادمان است. ■



بمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن) بنجاه و ششمین سالگرد مرگ لنین کرامی باد خاطره ای از آموزگار کبیر پرولتاریا!

بقیه از صفحه ۸
در کارخانه دوزندگی ...

که برای کمک به ما آمده بودند دستگیر کردند. با ما که شرافت کارگریمان به ما اجازه نمیداد که به بنشینیم و شاهداد ما همان زورگوئی رژیم سابق با شیم خالاکر هستیم. ما کارگران هم که این فحاشیهای عوامنسل خود فروخته را نمی توانستیم تحمل کنیم یک صدا فریاد می کشیدیم که شما نمی توانید ما کارگران را کروگان گرفته اند و ما اگر بخوبی فهمیم میتوانیم ۴۰ هزار کارگر را برای آزاد کردن برادران ما به اینجا بیاوریم. شما مانند رژیم سابق عمل میکنید و طرفدار کارفرما هستید، اگر نمیستید، چرا به کارفرما و کسانیکه ما از آنها شاکی هستیم کاری ندارید و در عوضی که ما شرا که برای همیشه و کمک به ما آمده اند، دستگیر می کنید. در اینجا یکی از پاداران گفت برای کارگری ندارده ۴۰ هزار نفر هم که شید ۵۰ تا تا رنجک بین شما می اندازم. بالاخره مرا شرا فشا را اعتراض شدیم ما حدودا ۱۲ شب کروگان را راکه پاداران قسم می خوردند آنجا نمیستند پس از آنما مبارز جوشی بغرم ما و گاه آزاد کردند و بقولسی



اخبار و مسائل جهانی

چین: سرکوب و سرمایه

مضامین این قانون را استقلال از "ندای آزادی" (۱۸ تیر ۵۸) می آوریم.

"...شرکتهای معظم غریبی ارقبیل کمیایی" های نفتی، ساختمانهای وسیع ساخ ماهایش در انتظار قانون مبرور که وسیله کنگره ملی خلق تصویب شده، قانون جدید شامل سرمایه گذاری در سرمایه های دولتی، هتلها، آپارتمانها، کارخانه ها و جاهای نفت می - کرده.

این قانون حداقل سرمایه گذاری را ۲۵٪ برای حداکثر محدودیتی نگذاشته است. مدیر - بت هر شرکت مشترک غریبی - چینی باید در دست چینی ها باشد. البته معاونان با قاعده مقامان میخوانند و چینی ها باید باشند. این قانون - سرمایه گذاری را خارج از اجاره خارج کردن سود را میدهد، بشرطیکه در اختلافات احتمالی مالی حکمیت بطریق صحیح انجام گیرد. شرکت مختلط میخوانند برای دوا به مال اول سرمایه گذاری نقضای معافیت مالیاتی بکند. علاوه هر شرکت غریبی که سود حاصله را در خود چینی سرمایه گذاری کند از تخفیف های مالیاتی برخوردار می گردد. در رابطه با سرمایه گذاری ریهای مختلط دوموسه تشکیل خواهند یافت یکی بنام "کمیسیون کنترل سرمایه گذاریهای خارجی" که اجازه نامه صادر خواهد کرد و دیگری بنام "شرکت سرمایه گذاری بین المللی چین" که استفاده از سرمایه و تکنولوژی غرب در چین را هماهنگ خواهد نمود.

دن سیائوپینگ رویزونیست میگفت: رنگ گریه مهم نیست، گریه خوب آنست که بتوانند موشها را بگیرند. (بمنقل اخیر بنا میکنم ۷ ژوئن ۷۶) برای او که فلسفه گرایش و نقیاد در برابر سرمایه و امپریالیزم را راهنمای عملش قرار داده، نقیاد بی -

چندی پیش بود که خبرگزاریها اعلام کردند "دیوار دمکراسی" در چین سرچیده شد. چرا؟ زیرا از نقطه نظر رهبران خباثتکار رویزونیست ها کمپرت حزب و دولت چین وجود "دیوار دمکراسی" مبین "لیبرالیزم" و "انارشیزم" بوده است و علاوه "عدهای تحت عنوان مخالفان سیاسی" از این موقعیت استفاده کرده بیک سری "تحریکات ضد انقلابی" روی می آورده اند (نشریه چینی "روزنامه ارتش" ۲۳ و ۲۴ نوامبر ۷۹).

پس از غلبه رویزونیسم دن سیائوپینگ - هوا کوفت حملات همه جا بنیاد علیه دستاوردهای انقلاب و سرمایه لیسم در چین فرو داده رویزونیست - های در قدرت شتابان در راه سرمایه داری به پیش می روند. آنان که دیکتاتوری پرولتاریا را سدی در برابر اهداف ضد انقلابی - بورژوازی خود میافشند پس از احکامات یافتن در عرصه های گوناگون سیاسی ایدئولوژیک و اقتصادی با سرعتهای خارق العاده کوشش در جهت تحکیم و گسترش مناسبات بورژوازی نمودند و در این راه به سرکوب پرولتاریا و توده های بلند شدند. برچیدن "دیوار چین" نمونه کوچیک ولی بارز از حرکت ضد انقلابی و سرکوبگرانه ریهی رویزونیست کنونی در جهت تحکیم دیکتاتوری بورژوازی میباشند و بنا بر این طبیعی است که از نقطه نظر رویزونیستها "دیوار دمکراسی" که مجلسی برای ابراز عقاید توده ها و برخورد اندیشه های انقلابی بود و در دوره اخیر به مکانی جهت مبارزه توده های آگاه علیه رویزونیستهای حاکم و اعمال ارتجاعی آنان تبدیل شده بود سرچیده گردد و باز طبیعی است که از دیدگاه خائنین به طبقه کارگر حرکت انقلابی و مبارزاتی توده ها "انارشیزم" تلقی شود و توده های انقلابی "فدا انقلابی" معرفی گردند. این منطق طبقاتی رویزونیستها میباشند و چرا این انتظار میخوانند داشت.

رویزونیستهای چینی پس از آنکه مدتی که به قدرت رسیدند، با بیان "انقلاب فرهنگی" را اعلام کرده و مطرح ساختند که از این پس بدین رزده طبقه های محروم و لایه های نامی باشد. اینان که طرفدار ارتجاعی "رشد نیروهای مولده" هستند در پی آنند تا با انکار سرمایه امپریالیستی، صنایع خارجی از چین یک کشور مدرن "بنازند. در واقع آنان سرکوب انقلاب را تضمین کننده رشد سرمایه داری می - نمایند.

بر اساس خبرگزاریهای چین نوچندی پیش "سرمایه گذاری کشورهای خارجی" تصویب و انتشار پیدا نمود. انتشار این قانون که برپایه مالش اخیر رهبران یک با امپریالیسم آمریکا مبتنی بر اعطای امتیازات اقتصادی خاص به چین از طرف آمریکا استوار است، خیانت دیگری بوده که رویزونیستها بدان اقدام ورزیدند. زیرا این قانون نه تنها مبین حرکت تیسری به زکشت سرمایه داری در چین است، بلکه علاوه جهت دهنده مکانیسمی است که به انشاید ملی می انجامد. ما در اینجا باره ای از

مارکسیسم و رویزونیسم، بین راه سوسیالیستی و سرمایه داری وجود ندارد. هدف آنست که دیکتاتوری پرولتاریا، ادا مد انقلاب و بسج انقلابی شود. ها و در عین حال رشد تولید و اقتصاد، بلکه برعکس ضربه قاطعی وارد آوردن بر دستاوردها و بنیادهای سوسیالیستی و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و "رشد نیروهای مولده" میباشند و بدین لحاظ از زاویه خط مشی رویزونیستی - کمپرت دوری اش، تضمین کننده این "رشد" چرا سرمایه داری و امپریالیسم

نیاشد؟ در یک کشور سوسیالیستی هنوز طبقات، آثار و بقایای مناسبات اجتماعی - تولیدی کهن و عناصر سرمایه داری که هر لحظه سرمایه داری را بوجود می - آورند وجود دارند. در چنین جا معادیه مسئله اساسی کدام است؟ مسئله اساسی اینست که به انکار دیکتاتوری پرولتاریا و با تکیه بر مشی پرولتاریا - ثی، طبقات، آثار و بقایای مناسبات کهن را بیش از پیش محدود کرده و بسج نام بودی کامل سوق داد. امروز بدینال استقرار رویزونیسم در چین آنچکه در این کشور صورت میگیرد کوشش در گسترش خارق العاده مناسبات روستائی و زیربنائی سرمایه داری میباشد.

در شرایط کنونی برای رویزونیستهای چینی امپریالیستهای غریبی "گریه های خوبی" هستند که بتوانند "موشها" را بگیرند، امپریالیستها به بار بگرچین چشم دوخته اند و رویزونیستها جاده فاکس آنها نند. بنحوی که در سال جدید رقم واردات تکنو - لوژی و تجهیزات صنعتی دولت چین از خارج بمیزان سه برابر سال قبل یعنی ۳۳/۶ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. ولی روشن است که میکانیسم تخریب بنیاد توده های اقتصاد سوسیالیستی نمیتواند به مشکلات و بحران اقتصادی بنیانجامد، بطوریکه در سال گذشته چین مبلغ ۱/۲۰۰ میلیارد دلار کسری تراز پرداخت در زمینه بازگانی خارجی داشته و این کسری تراز پرداخت در سال جاری مسیحی مبلغ ۳/۵ میلیارد دلار بیش بینی شده است. (ارقام از نشریه "هفتگی آزادی" - ۲۰ تیر ۵۸) آری، رویزونیستهای توطئه گر و خیانتکار در راه تحکیم دیکتاتوری تمام عیار پرولتاریائی خوب چین را به سقوط هولناکی سوق میدهند. ولی اینست سقوط، سقوط خود آنان نیز خواهد بود. رویزونیست، ها مذبوحانه میکوشند تا مزارع طبقاتی را به دست "فرا موشی" بسپارند، ولی پرولتاریا و توده ها تنها چیزی را که فرا موش نخواهند کرد سرمایه رزده طبقاتی علیه دشمنان طبقاتی شان میباشد.

کارگران به تحصن خود ادامه دهند و نظر دوم اینست که تحصن را می کشیم و فردا نما بندگان می آیند تا مکان را تحویل گیرند. نما بندگان که نظر دوم را داشت به خاطر اختلافاتش با نما بندگان دیگر در حضور اعضای شورای شهر به او گفت: شوکاران را تحریک کرده و به اینجا آوردی. که این مسئله باعث تشنگت و پراکندگی در بین کارگران گردید. اکثریت کارگران عمل نما بندگان، مزبور را تصحیح نمودند. عمل نما بندگان فوق بتا گردیده تعداد زیادی از کارگران دلزده و دلبردها نه پاشا سرو به و بدین ترتیب تحصن در عمره مان روز نگشته شد. شب همان روز یکی از نمایندگان را دستگیر می کنند و بعد از ۴ روز نکمیدارند که در اثر تحصن مجدد کارگران آزاد می کنند.

بقیه از صفحه ۳ مزارع کارگران ... یکی از نمایندگان شان گفت: ما ۷۰ نفر از کارگران ایران بوزنت برای جلوگیری از اخراج ۱۰ نفر از رفقایمان تحصن شده ایم. پس از آن یکی از نمایندگان کارگران بیکار رهبران اعلام همبستگی نمود. چون فرماندار در محل کارش نبود و بعد از ظهر چند روحانی از طرف شورای شهر و روحانیت مبارز کرج به فرماندار می آمدند.

آنها طی صورت جلسه ای قول دادند که مکانی در اختیار کارگران قرار دهند و قرا را در گذر روز بسج فرماندار هم صورت جلسه فوق را امضا کنند. بسج نمایندگان کارگران در نظر وجود داشت. نظر اول این بود که تا گرفتن مکان و آزادی بکم از رفقایان



ریشه‌های بحران مسکن در ایران - قسمت آخر -

زیر محل‌ها را در نقاط مسکونی با حروف مشخص کرده‌ام. قبلاً در این محله یک کوره آجرپزی بوده که تعدادی هم‌خانه برای سکونت کارگران ساخته‌اند تا بهتر بتوانند آنها را اسباب‌دار کنند. (کاری که در خانه‌ها باقی مانده (در شکل با حرف "ب" مشخص شده است). این خانه‌ها با خشت ساخته شده و بدون حیاط بوده است که اخیراً بعد از ناسان مردم بسیار د ل



و جراتی که پیدا کرده‌اند، دیواری هم کشیده‌اند و بدین ترتیب حیاطی نیز برای خود دست و پا کرده‌اند این خانه‌ها (یعنی خانه‌های ناحیه "ب") دارای سند مالکیت نیستند چون جز ملک کوره‌پزخانه حاجی جلالی بوده، عده‌ای از ساکنین فعلی همان کارگران سابق کوره‌پزخانه جلالی بوده‌اند و عده‌ای هم از فامیل‌ها و دیگر افراد که بعداً با آنها طرماجی و یا ارزان بودن آن (چون قبلاً نداشت) آمدند و ساکن شدند. ولی هیچگاه از جماعی سرکوب حاجی جلالی صاحب کوره‌پزخانه و وراثت‌اش و نیز بزرگ‌ترین بولدوز و ماشین‌های درامان نیستند. خانه‌های ناحیه "ب" توالیت ندارند. حتی مردم خواستند چند توالیت عمومی بسازند (قبل از قیام)، ماشین‌های درامان را آمد و با تهدید و فحش آنها را خراب کرد. چند بار حاجی فرج پسر صاحب کوره‌پزخانه با بولدوز شهرداری آمد که محمد آقا کارگر سابق کوره‌پزخانه را - که عمری زندگیش پای کوره‌ها تلف شده بود و می‌خواست چند ناآجری هم بگذارد و یک نیم‌چند دیواری بسازد -

مورد آزار قرار داد و دیوار را بر سرش خراب کند. همان‌طور که گفتیم در این محله آب لوله‌کشی ندارند. تا قبل از قیام برق هم نداشتند و تا ز گیمها از سیم‌خیزان قاچاقی برق کشیده‌اند. در محل اسباب‌دار وجود ندارد. از پارک عمومی، کتابخانه و... خبری نیست. اطراف خانه‌ها را کارگاه‌های سنگبری، بلورسازی، ریخته‌گری و... انبارهای

نده بود و اکثر خانه‌ها همان ابتدا به تعدادی از حاجی‌های بازار و اکدار شده بود (مثلاً هرحاجی ۱۰ خانه خریده بود).

همان‌طور که در بالا اشاره شد ابتدا خانه‌ها به صورت خانه‌های حیاط دار ساخته می‌شد و بعد از مقداری ساختن سازی، شروع به ساختن آپارتمان در همان شهرک کردند. آپارتمان‌ها ۳ طبقه ساخته شده که هر طبقه ۲ و ۳ اتاق دارد و حدوداً مساحت زیربنا آن‌ها با مساحت زیربنا خانه‌های حیاط دار مساوی است و مساحت زیربنا خانه‌ها بطور متوسط ۶۰ الی ۷۰ متر مربع است و این خانه‌ها به صورت سری ساخته شده و روی این حساب کل شهرک دولت آباد به پنج سری تقسیم شده که به نوبت ساختن خانه‌های سری اول و دوم... نام گذاری شده است. اکثر کسانی که در این شهرک زندگی میکنند از لحاظ طبقاتی خرده‌بورژوازی متوسط و پائین می‌باشند. چرا که کارگران کم‌تر قادرند پیش قسط و بعداً قیمت کارخانه‌ها را بپردازند. ولی از آنجا که تعدادی از این خانه‌ها بعد از خریداری توسط اشخاص به اجاره داده می‌شود، تعدادی کارگر که قادر به اجاره خانه در شهر نبودند (چون بهای اجاره در شهر گران‌تر از شهرک است) توانستند در اینجا با اجاره در این شهرک زندگی کنند و همچنین تعدادی از خانه‌ها به کارمندان دولت از طریق وزارت خانه‌ها و ادارات واگذار گردید.

تعداد اشخاصی که در این خانه‌ها زندگی میکنند بطور متوسط ۷ نفر برای هر واحد مسکونی است. البته در اطراف این شهرک محله‌های قدیمی دیگری وجود دارد که کارگران محله‌ها از داشتن آب لوله‌کشی محرومند و آب آشامیدنی اهالی از طریق فشاری‌تأمین می‌شود. از جمله این محله‌ها میتوان از محله‌های قلعه دولت آباد و بالا قلعه دولت آباد (اطراف این محله‌ها تعدادی محله‌های چادر نشینی و زغنه نشینی نیز وجود دارد)، محله‌های، سرپل سیمان، باروت کوبی، کارخانه سیمان، چشمه محلی و... نام برد. البته تعداد خانواده‌های کارگری که در این محله‌ها زندگی میکنند به علت شرایط خاص آن محلات از تعداد خانواده‌های کارگری ساکن در دولت آباد بیشتر است.

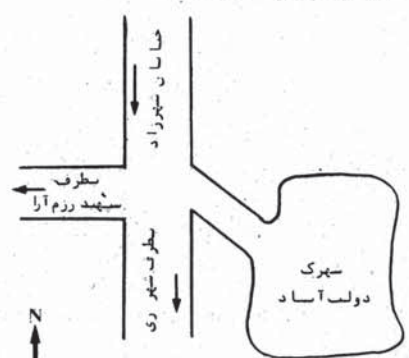
گزارشی از وضع مسکن در

محله بالا قلعه دولت آباد

به سراغ یکی از محلات دولت آباد - محله بالا قلعه دولت آباد - می‌رویم تا وضع مسکن زحمتکشان را دقیق‌تر بررسی کنیم. محله بالا قلعه دولت آباد محله کوچکی است که قسمت عمده خانه‌های آن اتاق - های مسکونی کارگران کوره‌پزخانه سابق بوده و تعداد کمی هم خانه‌های با سند مالکیت و تعدادی آلونک نشین که قبلاً چادر نشین بودند که عشا پربوده و اهل محل به آنها "گولی" می‌گویند. طبق کروکی

در نقشه‌های اول و دوم این مقاله ما وضعیت بحران مسکن را از روی آمار و ارقام مورد بررسی قرار دادیم. در پایان این مقاله می‌توانیم که سوسه‌های عسی این مسئله و اهمیت آن را در زندگی زحمتکشان ببینیم. برای این منظور کارگران زیر را که در این شهرک دولت آباد یکی از محلات آن - محله بالا قلعه دولت آباد - می‌باشند و توسط رفقای هوا - دار ما با این سینه‌ده، مسرماً زیم.

گزارشی از شهرک دولت آباد



موقعیت شهرک دولت آباد که خود قسمتی از کل محله دولت آباد سابق می‌باشد، در نقشه بالا مشخص شده است. از حدود سالهای ۱۳۲۸ اقدام به عملیات ساختمانی این شهرک شده است، که تا کنون نیز ادامه دارد. این شهرک عمدتاً متعلق به شخصی بنام حاج محمدی می‌باشد که با استفاده از نفوذنا هیور غلامرضا و با همدستی او اقدام به ساختن آن کرده است و چون در هنگام ساختن، شهرک در خارج محدوده واقع بوده و با ختمان سازی نیز در خارج محدوده ممنوع بوده، ابتدا خانه‌ها بصورت حیاط دار ساخته شده ۲ و ۳ و ۴ - به مساحتی تقریبی ۹۰ و ۱۲۰ و ۱۵۰ متر - مربع برای کسانی که می‌خواستند خانه‌ها را از خود شرکت بخرند قیمت خانه‌ها حدود ۳۵ - ۴۰ هزار تومان بوده چون به اسم اینکه این خانه‌ها برای خانواده‌های کم‌درآمد ساخته شده بود قرار بود که مقداری از آن نقداً و بقیه بصورت قسطی پرداخت گردد، ولی تعداد خانواده‌هایی که به این صورت خانه‌ها را خریداری کردند خیلی کم بود و بلافاصله پس از آن خانه‌ها بصورت دلالی بفروش رسید و روز بروز قیمت خانه‌ها افزوده شد، بطوریکه دیگر شرکت خانه‌های کمی نمی‌فروخت و چنانچه کسی می‌خواست از شرکت خانه بخرد باید مقدار پول پیش پرداخت می‌کرد و حدود یک الی دو سال به انتظار می‌نشست. بدین ترتیب بورس - بازی خانه‌ها افزایش یافت تا اینکه در سال ۵۵ قیمت خانه‌ها بطور متوسط تا ۳۰۰ هزار تومان رسید! و این در حالی بود که خرید خانه‌ها از حدود سال ۵۲ شروع

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

بقیه از صفحه ۲۲

اعلامیه، سازمان اکثر...

جناست، تاجوز، چپاول و بیدنگشیدن خلقهای جهان ویتنام، کامبوج، لائوس، ایران و... و جالباً ملاحظه از بخاطر افتادن استقلال و کمیت ملی افغانستان دم میزدند مردم از آن رویونیست چینی به همکاری نیرو - های سیاه میربا لیبستی جبهه ای در جهت سوار شدن بر جنبش توده ها در مقابل سوسال امیربا لیبسم تشکیل میدهند و اسم این اتحاد را میمون را تشروری "سجها" میگذارند.

ما اعتقاد داریم که این وظیفه کمونیست است که در این شرایط حساس تاریخی همراه با برتریهای انقلابی و میهن پرست و با مبارزه علیه بیرون راندن بیگانگان را از ما میهن به پیش را ندویند و اعتقاد داریم که بهترین و مطمئن ترین تکیه گاه - نیروی لایزال توده ها است. همانطور که بحال در چندین جبهه هم در کارزار مسلحانه و هم در جاهای دیگر با بن تیرداده و سرخ خود، ادامه داده اند، میزنند و این آتش افروخته شده را شعله و رتر میسازند و جازه نمی دهند که عده ای معلوم الحال ارتجاعی - با استفاده از احساسات مذهبی مردم بدرون - این جنبش بخند و حاصل آنرا برای اربابان امیربا - لیست خود و برتریهای ارتجاعی بریزند.

دولت ایران که امروزه دایودیداد "هنواشی" با جنبش خلق افغانستان راه انداخته است به هیچ موردی حرکت از راه منافع خلقهای ستم دیده میهنان نبوده و صرف هدف آن اینست که بتواند این که آنچه که در افغانستان میگذرد "کمونیسم" و "سوسیالیسم" معرفی و بدین طریق میخواد کمونیست - های جنبش کمونیستی ایران را در ذلت توده ها بگوید، رژیم کمونیست و انقلابیون کشور خود را سرکوب می نماید، رژیم که هیچ ندای آزادیخواهی را نمیتوان تحمل نماید، چگونه میتواند صحبت از پشتیبانی و کمک به خلقهای جهان از جمله افغانستان نماید؟

انقلابیون و خلقهای مبارز ایران! اینک که گشتا پوهای روسی در شهر و روستا، کوچه و خیابان گشت میزنند، اینک که کودکان با برهنه ها خیره و متعجب به تنگ بدستان اشغالگر "چم آبی و موبور" نگاه میکنند، اینک که خلقهای ستم دیده افغانستان با وجود فقر و گرسنگی هزاران ممرض اجتماعاً دیگر با تمام امکانات از تمام میهن در مقابل تاج و زو حشانه سوسال امیربا لیستها دفاع میکنند، وظیفه تمام خلقهای جهان، بهرولتاربا و تمام نیروهای راستین ملی است که در کنار خلق افغانستان قرار گرفته و ندای حق طلبانه آنان را بگوش سایر برادران طبقاتی و ملی آنان برسانند.

مرگ سوسال امیربا لیبسم، امیربا لیبسم آمریکا و سایر امیربا لیستها!
تا بود با دولت سوسال فاشیستی افغانستان و سایر نیروهای ارتجاعی!!
پیسروز باد شبرد ملخا نه توده ای!
به پیش در راه بیرون راندن اشغالگران روسی!
مستحکم با دیپو دمبارزاتی خلقهای ایران و افغانستان!

بخش هرات سازمان اکثر (سازمان مبارزه در راه ایجاد حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست افغانستان)
۱۴ دیمه ۱۳۵۸

شایع کرده بودند که این خانه ها "عصبی" است و نماز و روزه شان درست نیست!

شغل افراد کن در این خانه ها، کارگری چرم سازی، آلومینیم سازی، بلور سازی، راننده و است، کارمند ادارات دولتی (تکپهان)، سرکارها، اجتماعی، سیکار و... است که میتوان گفت عده ای از آنها کارگریا رسته ها سی و عده ای جزو خرده بورژوازی



با نیش هستند. اغلب با خاگردی و محظ و محدود بودن و دور بودن از مرکز حرکت شهرداری فرهنگ و آگاهی سیاسی و اجتماعی با نیشی هستند. چند نفر از افراد این ناحیه هم در منطقه اطراف کارخانه سیمان زمین خریده اند که الان به مخممه افتاده اند. این خانه ها آب ندارند تا قبل از قیام مریق ندانت، تا بحال توالیت ندارند و بعضی ها هم هنوز نداشتند (خیرا بعضی هایک توالیت مقدما تی درست کرده اند). از اسفالت و درختکاری نیز آزاری نیست.

ناحیه "ج" - این ناحیه که حدود ۱۴ خانوار دارد، تنها ناحیه ای است که خانه ها دارای قبایله است و در ساختمان آنها سیمان و آجر و آهن بکار رفته و مرتب تراست و حتی بعضی شان حمام دارند. از این ۱۴ خانه، ۴ تا شان مستاجر هستند و بقیه مالک. دارای شغل های کارگری سنگبری، کارگری چیت ری، راننده کامیون، مفا زه دار، کارمند مغایرات و... هستند. این خانه ها برق رسمی دارد، آب ندارند و مساحتی کوچکی (حدود ۷-۱۰ متر) دارند. بجز نواحی که بصورت متمرکز گرانند و ذکر شده ای نیز در همین منطقه بطور پراکنده و غیر ثابت زندگی میکنند. مثلاً بسیاری از کارگران کارخانه های سنگبری و پنبه پاک کنی... شبها در کارخانه می خوابند، عده زیادی از این کارگران مجرد اند (حدود ۷۰٪) و بقیه هم که متاهل اند هر چند وقت یک بار با ربا اندوخته و مزد چند ساله خود را هی ولایت می - شوند و خرجی خانواده را هم میبرند. در این کارخانه ها و کارگاهها کارگرهای کرد و افغان زیاد دیده میشود. خلاصه مطالب فوق را در جدول زیر ملاحظه میکنید:

ناحیه	تعداد خانده	از لحاظ مالکیت و مستاجر بودن	پایگاه طبقاتی (شغل و نقشی تولیدی)
الف ۱	۴	مالک نیستند اما اجاره هم نمی دهند	کارگر غیر صنعتی، فروشنده گی (خرده بورژوازی پاشین)
الف ۲	۱۲	"	"
الف ۳	۲۵	"	"
ب	۳۵	"	کارگر صنعتی، کارگر غیر صنعتی و خرده بورژوازی پاشین
ج	۱۴	حدود ۴ نفر مستاجر و بقیه مالکند	"
د	۱۵	مالک نیستند اما اجاره هم نمی دهند	"

آهن آلات محاصره کرده است که فقط از این کارگاه - های تولیدی متعلق به خرده بورژوازی مرفیه و بورژوازی متوسط، صاحب زمینگان محل بعضی ساکنین همین خانه ها، کرد و خاک و سروصدای زیاد و محیط غیر بهداشتی و کثیف می شود و زمستان هم سلاب و گل و ل.



نواحی "الف ۱" و "الف ۲" و "الف ۳" - در این مناطق عده ای از عامیانه و بیسبب ملایر و اراک زندگی میکنند که قبلاً در جاده بوده اند و الان بصورت آلونک ده با خشت و آجر با راه حلی ساخته شده زندگی میکنند که قبلاً با راه توسط ماشین زمین، کارخانه دارهای اطراف با زور و با کمک زاندا رمی تهدید به اخراج و خراب شدن آلونک های شان شده بودند و آلونها را مفاومت کردند. قبلاً تعدادشان بیشتر بوده و ولی بعضی شان به دهات و مناطق ایلاتی خود برگشته اند. مثلاً در "الف ۲" حدود ۱۵ خانوار در چند ماه اخیر با کمکی که کمیتها ما کرده به دهاتشان برگردانده شدند و به شان قولی داده اند که خانه های بدهند که تا بحال نداده اند. بهر حال هم اکنون در "الف ۲" در حدود ۱۲ خانوار زندگی میکنند که در نهایت کثیفی و بی سرو سامانی هستند. مردان شان به رانندگی، فروشنده گی، دوره گردی، کارگری، کارهای غیر ثابت و... می پردازند. دارای فرهنگ بسیار عقب افتاده ای هستند. در نواحی "الف ۱" و "الف ۳" هم وضع به همین منوال است و به ترتیب حدود ۴ خانوار و ۲ خانوار زندگی میکنند.

ناحیه "ب" و "د" - در این نواحی به ترتیب ۳۵ خانوار و ۱۵ خانوار زندگی میکنند که خانه ها - شان تماماً قبلاً جزو ملک کوره بیزخانه ها بوده است و سندا مالکیت ندارند. یعنی اینها نه مالک اند و نه مستاجر. البته اخیراً چون هر کد امشان کلی زحمت روی ساختمان ها کشیده اند احساس مالکیت میکنند و می گویند "کسی حق ندارد که بما بگوید از این خانه بیرون بروید". با اینکه عوامل صاحب کارخانه

بقیه از صفحه ۲

نکاتی به روی داده‌ای اخیر...

نما می‌ان این دوجناح و نیروی اجتماعی و سیاسی، نهادی است میان دوتیری ارتجاعی و ضدانقلابی بر سر کسب قدرت و سهم بیشتر در حکومت، و بر سر روش‌های متفاوت اعمال سیاست در حکومت، میان رفرمسم خرد بورژوازی مرفه‌ستنی و تمايلات مدخلی بورژوازی مرتجع، و بالاخره میان دوتیری سیاسی در اردوگاه ارتجاع و ضدانقلاب. این نهاد، حاصل هیچگونه خلط متناقضه‌ای در هیچ یک از وجود خود نیست، چرا که هر دو در جبهه ضدانقلاب در برابر مردم و در تقابل آشکار با خواسته‌های واقعی بوده‌اند عمل می‌کنند.

در روی داده‌ای تیریز و دو دسته مشخص اما کاملاً ناممکن را در میان "طرفداران" آیت‌الله شریعتی مداری می‌شد تشخیص داد. دسته‌ای از مردم زحمتکش تیریز که بر حسب ناراضی و افراطی و رژیم‌پویا اعتبار خواسته‌ای عادلانه خود، از هیئت حاکمه و عدم پاسخ‌گویی به آنها، به مرکز روی داده‌ها کشانده شده‌اند و در زیر یک پرچم و رهبری ارتجاعی قرار گرفته‌اند و ناخودآگاه به مسیری انحراقی کشانده شدند. دسته دیگر، یک مشت سرمایه‌دار گردن کلفت، لیبرال‌های ناراضی و متمایل به آمریکا، عناصر ملین و واژه و حتی مزدوران ساواک و اجبر شده که بقصد برآورد انداختن آشوب و ایجاد جنگ داخلی میان مردم، در جریان داخل شده‌اند و نقش فعال و در بسیاری موارد رهبری کننده‌ای نیز به عهده دارند.

این دو دسته، که در یک موقعیت استثنائی در کنار هم قرار گرفته‌اند و دو هدف اصلی چنین جنبشی را در روزهای اخیر، که کاملاً در جهت تمايلات و خواسته‌های ارتجاعی جناح شریعتی‌مداری سر می‌گردد، بوجود آورده‌اند.

اما طرف مقابل نیز ماسک‌هاست. جناح آیت‌الله خمینی، که سوی دیگر تقاضا در "بالا" و در برابر بورژوازی تحت رهبری آیت‌الله شریعتی‌مداری را تشکیل می‌دهد، کوشید تا با تکیه بر سوابق و پیشینه ارتجاعی طرف مقابل و افشای چهره واقعی عناصر رهبری کننده‌ای این جریان، که عموماً نیز سوابق کثیفی در خدمت به ارتجاع و امپریالیسم دارند، بر حریف غلبه را بدو با قتل زیر پای او راغالی نمایند. از سوی دیگر این جناح نیز با به میدان کشاندن بخش دیگری از مردم تیریز به میدان وقایع به پشتیبانی از آیت‌الله خمینی، صحنه را برای قدرت نمایی خود آماده نمود، بدین ترتیب در زمینه جنبشی وقایع خونین این روزها بفتح تمايلات قدرت طلبانی خود سود جست. حتی با سدا ران و کمیته‌های طرفدار آیت‌الله خمینی نیز بیگانه را نشاند و با بستن صفوف مردم بیگانه به رنگبار گل‌گوله، صحنه را به درگیری خونین تبدیل نمودند و از یکسو آتش تیر زخم مردم نسبت به هیئت حاکمه را نیز ترکیدند و از سوی دیگر بر دامن درگیری میسان توده‌های مختلف مردمی که بر اثر سنا فاع قدرت طلبانه دوجناح درگیر در "بالا" بطور گام‌زن می‌نشان خط فاصل کشیده شده و در مقابل هم قرار گرفته بودند، فروزی بخشیدند.

آنچه در تیریز بی‌وقوع پیوست، بروشنی این دو جریان متضاد و دورشته متضاد کاملاً ناممکن را که در عین حال درهم تنیده شده بودند، به نمایش گذاشت. نا دیده گرفتن هر یک از این دورشته‌ها، که هر یک به اندازه معینی در وقوع این حوادث نقش داشتند، منجر به انحراف در تحلیل اوضاع و ریشه‌های این روی داده‌ها و در غلطیدن به یک موقع انحراقی و خطرناک بحال جنبش انقلابی میهنان، می‌گردد. شکی نیست که در آینده نیز احتمال بروز چنین حوادث و روی داده‌هایی در این منطقه از میان نرفته است. چرا که این دورشته‌ها دو این دو جریان معین کماکان وجود دارد و به عملگردهای مدتها می‌دهند. نه جنبش ناراضی و اعتراضی آرای مردم نسبت به هیئت حاکمه و به خاموشی خواهند داد، به ویژه آنکه حوادث ما وقع در این شهر، سکوی پرتابی برای خیزش‌های آینده خواهد بود، و نه درگیری و تضاد میان جناح‌های مختلف درگیر در "بالا"، میان بورژوازی مرتجع و خردم بورژوازی مرفه سنتی ضدانقلابی، به افول خواهد گراشت.

در آینده نه جنبش ناراضی و اعتراضی آرای مردم نسبت به هیئت حاکمه رو به خاموشی خواهد نهاد، به ویژه آنکه حوادث ما وقع در این شهر، سکوی پرتابی برای خیزش‌های آینده خواهد بود، و نه درگیری و تضاد میان جناح‌های مختلف درگیر در "بالا"، میان بورژوازی مرتجع و خردم بورژوازی مرفه سنتی ضدانقلابی، به افول خواهد گراشت.

ما و بخصوص در این منطقه، و اردوگاه متضاد بلازمینه سوا استفاده ارتجاع و ضدانقلاب را می‌باید خواست. بدین قرار، وظایف انقلابیون کمونیست و نیروهای انقلابی را در مقابل این حوادث و روی داده‌ها، در حال و آینده، در خطوط زیر می‌توان بیان نمود: - روشن کردن دقیق بدون ابهام مرزهای میان این دو جریان، این دورشته‌ها و در واقع تیریز، هر یک بنحوی زمینه‌ساز بروز این حوادث بوده است. توضیح روشن ماهیت هر یک از این دو جریان، یکی با ماهیت انقلابی که حرکت اعتراضی آرای زحمتکشان تیریز را نسبت به اوضاع زندگی فلاکت‌بارشان و نیز عملگردهای ضدانقلابی هیئت حاکمه نشان می‌دهد و تضاد میان توده‌های مردم تیریز و هیئت حاکمه را نشان می‌کند. دیگری با ماهیت ارتجاعی که در مدتها به ادشوب و بلوا و جنگ داخلی به منظور کسب سهم بیشتری از قدرت در صحنه سیاسی کشور است. آگاه کردن توده‌های مردم و کشیدن خط فاصل دقیق و روشن میان این دو جریان، یکی ارتجاعی و دیگری انقلابی مهمترین وظیفه نیروهای انقلابی است.

قراردادن افشای ماهیت جریان بورژوازی شریعتی‌مداری، به مثابه هدف اصلی سیاست افشاگرانه

خود در این مرحله، لزوماً اتخاذ چنین سیاستی در تیریز در شرایط حاضر، به چند دلیل قابل تأکید و اهمیت است. اولاً به دلیل نقش ماهیت این جریان که نسبت به جریان مقابلش در "بالا" ارتجاعی و بسیار ضدانقلابی تر است، تمايلات و اهداف آشکار امپریالیستی را در پیش روی خود قرار داده است. این جریان از نظر ماهی یک جریان کاملاً ارتجاعی است که طیف وسیعی از جناح راست بورژوازی لیبرال و بورژوازی وابسته را در بر می‌گیرد و خود قرار داده است و رابطه آشکار با سیاست‌های امپریالیستی و توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا دارد. و حتی به همان رفرم‌ها و تعدیلات در سیستم سرمایه‌داری وابسته که جناح مقابل، یعنی جناح خرد بورژوازی مرفه سنتی خواهان آن است، مخالفت می‌ورزد و وابستگی هر چه سریع‌تر و محکم‌تری با امپریالیسم را طلب می‌کند و خواهان استقرار یک رژیم کاملاً دست راستی و وابسته است.

ثانیاً: این جناح برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود در صحنه‌ها انداختن جنگ مذهبی و ملیستی در میان مردم و قرار دادن آشکار توده‌های مردم در برابر یکدیگر در این منطقه است. و در این راه از هیچ کوشش فروگذار نمی‌کند. ثالثاً: پرچم مخالفتی که این جریان ارتجاعی بلند کرده است، و در ظاهر خود خلط "آزادخواهانه" دارد، می‌تواند در فریفتن مردم تیریز و آذربایجان بسیار موثر افتد. بخصوص اینکه مسئله مرجعیت آیت‌الله شریعتی‌مداری و توهانات مذهبی مردم این منطقه نسبت به او و نیز در این تاثرات نقش مهمی را ایفا می‌نماید. توده مردم تیریز، به واسطه آنکه هیئت حاکمه را تجربه کرده‌اند و بخش‌های بزرگی از آنها در تجربه زندگی خود، تا حدود زیادی نسبت به ماهیت این حکومت، آشنائی پیدا کرده‌اند و تضاد معینی میان خود و آنها احساس می‌کنند. آنها حکومت را در برابر شکوهی به خواسته‌هایشان ناخوانا دیده‌اند و به سادگی می‌توانند از او روی برگردانند. نبود یک نیروی متضاد انقلابی، که بتواند این ناراضی را به نفع مصالح و رشد انقلاب در گامال صحیح هدایت نماید، خطر بزرگی از نظر آوردن مردم کنده شده از رژیم به سمت جریان "مخالف" به رهبری شریعتی‌مداری بوجود آورده که اینک تاکنون نیز بوجود آمده است.

بنابراین دلایل فوق سمت اصلی افشاگری در شرایط فعلی تیریز، با بدیسی جریان ارتجاعی فاسق نشانده‌برد. تا در کاستن خطرات ناشی از توطئه‌های این جریان و سوا استفاده از زمینه‌های ناراضی و حرکات اعتراضی مردم نسبت به هیئت حاکمه موثر افتد.

۳ - افشای ماهیت عملگردها و سیاست هیئت حاکمه، هم به لحاظ نقشی که در ایستادگی سیستم سرمایه‌داری وابسته، و تدابیر و بهران اقتصادی اجتماعی کنونی، اعمال فشار بر روش زحمتکشان، سرکوب جنبش خلق‌ها و توده‌های مردم، سرکوب تمايلات و خواسته‌های دموکراتیک آنها و... دارد، و چه از نظر بقیه در صفحه ۷

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

بقیه از صفحه ۶
توفان در...

(دینسان و دسترسان) ویرنا مدرسی تدریس
رئیس تپو وزارت آموزش و پرورش خواهد بود" کا مـ
دال برادتهای ماست . کمیت و کیفیت برنا مدرسی
برای تدریس در آنجاها آرا آنها شکله ارتباط
حدائی نایدیری با سطح فرهنگ و رسوم و سن ملی ،
و تنم مهم و تعیین کننده ای در رشد و عیای فرهنگ
ملی دارد . باینریمانی بنارها و ضرورتهای آن
انجام یکرد . بنابر این طرح "حسن نیست" در زمینه
حقوق فرهنگ ملی نیز با خواست خلق کردفا مـ
بنسار دارد .

یک مسئله کوچک دیگر !

با وجود اینکه موارد و مسائل عدیده دیگری در
این طرح وجود دارد با ارفلم افتاده که دارد به
آن برخورد کرد دولتی با یک نکته دیگر بنده کرد
و با خمبندی ارشون مطالب این بخش از مقاله را
خامه می دهیم .

ای نکته که کوبا از نظر طراحان "حسن نیست"
بفداری کوک و پس با افتاده است که فرا موش کرده
- اندجنی آن نکوند ، مسئله ستم طبقاتی وارد بر
اکثریت . ستم زحمکسان اقلیت های ملی اسرا ن
می باشد . اگر چه ستم نظور که ستم رندارم آنها
بنوا سندر مود مسئله ملی با سخی انقلابی بدهند ،
همانطور هم ستم رندارم که در رفع فشارهای کمر -
سکن و عظیم اقتصادی ، سیاسی بر طبقات زحمتکش
اس نواحی که اکثریت آنها را راعین ، کارگران
کساورری ، خوشنیشان و انبوه زحمتکسان بیکسار
سهرها را تشکیل مدهند ستم های انقلابی اراشه
بدهند . برادر ما هب اس حکومت فدا نقلابی
سیمت که فادریا ندچین کاری را انجام بدهد . بنا -
برای فقدان کوکترین اشاره ای در طرح "حسن
نیست" به حقوق زحمکسان ، بیان دیگرست از
ما هب ارا سخی هشت حاکمه .

خلاصه کنیم :
هما نظور که بدیم "طرح خود کردائی" ارا شده
اراجات بر زمین های محورهای ررس است :
۱- دادن برخی امتیازات سیاسی رجزشی در
ریمه اداری :

در این زمینه خود رژیم محسور است با طرمشکلات
ناشی از تراکم کار اداری در شهران برخی وظایف
را به سناها واگذار کند . هما نظور که ما ره کردیم
رژیم تا به تدریج چنین طرحی بود . تا خود را تا حدی
ار دست بهر کارها در شهران نجات دهد . اما ازلحاظ
انتخاب امیلی ترس مسئولین محلی ، استاندار ،
فرماندار ، روسای شهرانی و ژاندها رمری و
با ر حق انتخاب در دست دولت مرکزی است .

۲- دادن برخی امتیازات فرهنگی ، مانند
دایر کردن رشته ادبیات زبان محلی (کردی) در
دانشگاهها و شهران ، و باینکس در دانشگاه محلی کرد
سنا و با رسمیت نام نگاری بیسن ادارات
استان زبان محلی در کنار زبان فارسی و ...

۳- گذشته از این امتیازات جزئی در این
طرح بهیچ یک از خواسته های حق خلق کرد که
بارها اراجات خلق کرد و نیروهای انقلابی عنوان

بقیه از صفحه ۶

مبارزه در سنج ...

محل ما محدودیت هزار نفر جمعیت دارد اما از مستان
که میشود ارتباط ما با شهر قطع میشود .

روز ۵۸/۱۰/۱۶

بدعوت شیخ عزالدین حسینی
در سراسر کردستان مردم به پشتیبانی از محمسن
سندجی دست به راهپیمائی و نظاهرات زدند . در
سعی از شهرها مردم زیر پریش تدبیرف را هیمائی
کردند . تشکلات سفرومها با حزب دموکرات در این
را هیمائی شرکت نکردند زیرا آنرا به ضرر مافع
خود می دیدند . مردم کم کمی به ما هیت حزب دموکرات
میسرنده و هر روز بیشتر از آن دوری می گیرند .

روز ۵۸/۱۰/۱۸ در استان داری سندج شورائی
مشکل از سنا بندگان افشا و مختلف مردم سندج
جهت کمک به افراد دستفروش و باران را کم در آمد
تشکیل شد . در نخستین مرحله کارمندان ادارات یک

جنايتكاران در دادگاه خلق محاکمه و محکوم شدند

در بیکار ۳۸ آمده است .

در اعلامیه ای که کومه له در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۱ صادر
کرده است آمده است : ما اعتقاد داریم که سیمک به خاطر
بیکاری ، سرگردانی و وضع بحرانی کشور دست به
سرفت می زند جزایش اعدام نیست . اما انخامی که
را هرنی را با اقمی سیاسی ویرنا مدرسی شده انجام
می دهند و مستقیماً علیه منافع خلق و مبارزات آن
توطئه چینی میکنند ، سزایش اعدام است . ولذا ما
دونفر از این سارقین مسلح را به اسمی سعید
غریبی و احمد کرمی به اعدام محکوم کردیم و حکم
اعدام در مورد آنان به اجرا در آمد . احمد کرمی
که مشهور به "احمدلرک" بود ، را هرنی بود که
نا مش نشانه فساد ، تجاوز به ناموس مردم و سرقت
مسلحانه و چند فقره قتل بود . و در کنار را هرنی به
خرید و فروش مواد مخدر نیز میسر داشت و بهنگام
دستگیری علاوه بر یک قیفه تنگ کلانیکوف یک کیلو
تریاک نیز از او کشف شد . و در شرایط انقلابی و اوج
مبارزات خلق کرد در راهبندان مسافران و سرگردنه -
گیری از عتار فعال بوده است .

سعید غریبی نیز کسی بود که علاوه بر جرمهای اشد
کرمی ، هنگام لخت کردن مسافران ، در چندین مورد
به زنان مسافران در مقابل چشمان مسافریین و
شوهران شان تجاوز کرده است .

دو سارق مسلح ، قاتل و متجاوز به ناموس مردم
در دادگاه انقلابی خلق محاکمه و به اعدام محکوم
شدند .

جرمان دستگیری و محاکمه علنی این را هرنان



شده است توجهی نشده و هما نظور که خود طراحان نیز
گفته اند ، در چهار رجب قانون اساسی خبرگان -
قانونی که حقوق ملیت ها را هیچ وجه به رسمیت
نمی شناخت ، ویرنا برابری و ستم ملی محکما شته امت
با مطلاع حقوقی برای خلقها (و در اینجا خلق کرد)
در نظر گرفته شده است . طراحان و کسانی که این
طرح را ارا شده اند آنچنان از درک مسائل خلق -
ها عاجز هستند که حداقل نمی توانند توافقی را که در
جلوچشمان بوقوع پیوسته ببینند . خلق کرد به
همراه دیگر خلقها به این دلیل این قانون اساسی

حق تعین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

گزارش حمله پاسداران به
ساکین آ پارتما نهای مصادره شده
توسط زحمتکشان

ریزی درست داشتند با هم چون بی برنا میی و جدا - کاری ما باعث عدم خوردن به خودمان میشود. "یکی دیگر از میان جمع گفت: "ما کسانی که اقدام به گرفتن خانه های خالی کرده ایم عده زیادی هستیم ولی متأسفانه هنوز متشکل نشده ایم ما باید به طرف یکی از ادارات مسئول راهپیمائی کنیم و فقط خواست ما ازاد کردن زندانیان نباشد بلکه آملای از آنها بپرسیم که بنا بر چه دلیل و حقی این عده را دستگیر کرده اند برای اینکه از منفعتی که عده از سرما به دست می آید بیفایند. میبکند. چه فقری میکند اگر فرار است چه پناهی. ما از سرما بیرون بیاییم سقف خانه ها

پس از قیام عملکرد دوازده فرهنگ و هنر در زمینه فرهنگ جوگیری از پرورش استعداد های هنری در زمینه های مختلف تحت عنوان غیرا ملای و ملای بودن هنر ملی و خلقی بوده است . اما کار و وظیفه دیگری که این وزارتخانه به گرفته کاری است که حتی در رژیم پهلوی نیز نکرد این کار باریار رست از مظلوم و تحقیق در احزاب ، سازمان ها و گروه ها و انجمن های علمی و سیاسی ، کاری که در رژیم گذشته با واک می داد . در اینجا سندی را که در این رابطه به ما رسیده است ملاحظه میکنیم در این سند از احزاب و رهی ... تشکیل با " تجدید حیات با فتنه " پس انقلاب (قیام بهمن) اسم برده شده که با توجه به نبودن کلمه " تجدید حیات با فتنه " میتوان گفت و سرود ما در این و وزارتخانه ، کلمه نیرو های و فرهنگ ، و فرهنگ می باشد .

سرپرست دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی

[illegible]

۱- در شماره ۳۸ در مقاله "نهضت آزادی داخل
خارج سروته یک کربا سند!" یک تیتروفرعی در

روی سیمان خراب شود، پس هیمتا می مانیم و می توانیم خطر گذشته را هم بوسیله پادارها قبول کنیم". بعد تصمیم گرفته شد که روز جمعه به طور کمیته مرکزی در پها رستان را هیمتا می کنند و یکی دیگر گفت: "فردا ادارات تعطیل است و ممکن است عده ما هم از امروز هم برای راهیمتا می کمتر باشد و اگر تا روز شنبه هم برکنیم امکان دارد برای دستگیر شده با پرونده سازی کنند برای همین بهتر است همین امروز این کار را کنیم". و قرار شد که همه میدان ممبران دولت پرونده و آنجا بطرف پها رستان را هیمتا می کنند. ■

مجله ۲ آمده بود که بشرح زیر توضیح میگردد:

"جرمان ویزدی پولی را که از دولت مصر (در زمان ناصر) بستوان کمک به زندانیان سیاسی ایران گرفته بودند، صرف خرید یک ماشین لوکس کردند که در اختیار آقای مهدی حسین مظفری قرار داشت. این شخص امروز لایق بهای فاعلیتهای انقلابی اش!! از مسئولین آموزش سپاه پاسداران است..."

۲ - در شماره ۳۸ پیکار در دستمربوط به افشای مدعیان از روحانیون با وکی تبریز به نامهای میرزا یوسف هاشمی حکم آجساد و میرزا محمد واعظی و میرزا حمید شربانی، اسم ضیاعن انگیزی درپا ورتی و در توضیح مربوط به بریدههای از روزنامه (بلاغات ۵۸/۱۰/۱۸) اشتباه آمده که هیچ ربطی به موضوع فوق الذکر ندارد. بدین وسیله با پوشش اصلاح میشود.

گرامی باد خاطره رفیق شهید

مهدی
فتحی

شود، شما می توانید تا یک هفته باطمینان کامل در پایگاه بمانید! این سخن اگرچه زلحاط تجریمی و محاسبات امنیتی و سرزمینی با بطنه زمانی نمی توانست پذیرفته شود ولی رفیق مهدی مانند بسیاری دیگر از رفقای همزم خوش پس از دستگیری، محبت این گفتار را با مرکب سحر خویش به اشعار رسانید.

نه تنها یک هفته، بلکه هجوفت، کوچکترین اطلاعاتی از رده ها و ارتباطاتش در اختیار دشمن نگذاشت هم رفقای که با مهدی و در کنار وی در راه آرمان انقلابیشان رزمیده اند صفا و صمیمیت و شور انقلابی او را هرگز فراموش نمی کنند.

سرزمینی خط منی مبارزاتی آنروزها (که بارها به ما درسی آن بعنوان یک خط منی جدا از نوده اما دارای محتوای انقلابی و مبارزه جویانه، اشاره نموده ایم) عملیات نظامی، حمله ترابری و مهمترین کارهای تشکیلاتی بودند و بطور عمده رفقا - نی برای این کار انتخاب می شدند که دارای هوشناری، کارآیی و توانا نشای نظامی، حصار و احساس مسئولیت و بزه آن فعالیت ها را داشته

از سازمان مجاهدین خلق ایران بود که در برابر رندگی تشکیلاتش، اگرچه مثل هر رفیق دیگری، دارای نارسا نشای بود، لیکن خصوصیاتی که فوقاً بر سر مردم او را در شمار بهترین رفقای عضو سازمان قرار می داد.

- رفیق مهدی، در انضباط، دقت و رعایت ضوابط و اصول تشکیلاتی از بهترین ها بود. احساس مسئولیت در انجام وظایف و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه امور سازمان، فداکاری و از خود - گذشتگی، متانت، اجرای منظم و دقیق قرارها که در دوران اختناق رژیم شاه جلال از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و... از سری خصوصیات و نقاط مثبتی بود که موجب شد رفیق را در طی نمودن سریع مدارج تشکیلاتی باری دهد، بطوریکه رفیق در شرایطی که هنوز عضو مخفی - علنی سازمان بود در اجرای عملیات نظامی مهمی نقش فعال داشت.
- رفیق در اقدام انقلابی سه مستشار آمریکائی، معاون فرمانده عملیات بود.

باشند. رفیق مهدی از سری رفقای بود که در همان اوائل رابطه زمانی اش برای فعالیت نظامی برقرار شد. پس از طی نمودن دوره آموزشی و مقدماتی در چند عمل نظامی منجمده عملیات بمب گذاری با ساک شمشیران نو و شهرداری تارک (بهار ۵۵) شرکت نمود، فرمانده عملیات شد. پس از انجام موفقیت آمیز این عمل که برای پشتیبانی از مبارزات مردم زحمتکش شمیران و نوسویه زند به رژیم وابسته میرا لیسمنه صورت گرفت، مسئولیت شرکت در عملیات اعدام انقلابی سه جاسوس آمریکائی (۱) (مستشاران نیروی هوایی شاه جلال) نیز بر عهده او قرار داده عملیات به رفیق سپرده شد. رفیق از مراحل مقدماتی اجرای این طرح یعنی از شناسایی تا نشانی ترابری مرحله یعنی اعزام انقلابی سه مرد و آمریکائی (۶ شهریور ۵۵) جدا شد و با احساس مسئولیت پیش رفت. او در طول انجام این وظایف، خشم و کینه انقلابی اش را با پشتکار و صبری بسیار قابل تحسین نمود و به اجرای دقیق مسئولیت های محوله پرداخت.

در اوایل موج تعقیب و دستگیری ها که در شهریور ماه ۵۵ بخش منشعب از سازمان مجاهدین را مورد ضرب و هجم فرا داد، رفیق مهدی همراه با رفیق شهید بهرام آرام با حصار و شجاعت فوق العاده ای در پیش چشمان خیره مزدوران ساواک (کمیته تعقیب و مراقبت) خانه پایگاهی واقع در خیابان بوستان سعدی را به محبت یکی دیگر از بنشین در صفحه ۴

(۱) - این سه امر را لیرنه جی، سی - کاترول و دونا لدا سمیت و... در طرح آیسک (اسنم استر) ق سمع آمریکا در مرزهای شمالی کشور (بالترین مقام را داشتند.

رفیق مهدی در انضباط، دقت و رعایت ضوابط و اصول تشکیلاتی، از بهترین ها بود. احساس مسئولیت در انجام وظایف و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه امور سازمان، فداکاری و از خود گذشتگی، متانت، اجرای منظم و دقیق قرارها که در دوران اختناق رژیم شاه جلال از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و... از سری خصوصیات و نقاط مثبتی بود که موجب شد رفیق را در طی نمودن سریع مدارج تشکیلاتی باری دهد، بطوریکه رفیق در شرایطی که هنوز عضو مخفی - علنی سازمان بود در اجرای عملیات نظامی مهمی نقش فعال داشت.

مهدی برای تمام رفقای سازمانی اش، رفیقی مهربان، دلسوز و صمیمی بود. اشکالات، انتقادات و اشتباهات آنها را با متانت و بصورتی یک عنصر انقلابی برایشان توضیح می داد، در بر طرف کردن کمبودها بیش از زلحاط سیاسی وجه زلحاط تشکیلاتی با فروتنی و تواضع برخورد می نمود. در پذیرش مسئولیت های خطر که امکان و احتمال روبا روشی با دشمن در آنها بصوح دیده میشد، تردیدی نمی نمود و بر عکس به استقبال آنها نیز می شتافت، اما درینا جدیت، مراقبت و هوشیاری را از صریب خطر می گاشت.

رفیق مهدی مذاکرات و روابط با شور و کرم در دوره آزادی اش از جانب ما به می گذاشت در هنگام سارت نیز تحت شکنجه های دژخیمان ساواک شجاعانه مقاومت نمود. انضباط تشکیلاتی حکم میکرد که اگر رفیقی در سرپرست مقرر به پایگاه بازرگردد، می بایست پس از اطمینان اولد از احتمال بروز حادثه برای او، خانه پایگاهی توسط رفقای دیگر تخلیه شود ولی رفیق به رفقای همگروهن توصیه می کرد: "اگر من دستگیر شوم، چون ممکن است هنگام نقل و انتقالات و تخلیه پایگاه ضرباتی به شما وارد

"کتابهای قانون و نظامها از آن ایشان است

رسان و دارالتا دیت نیز از اقدامات هراسناکشان سخن نگوئیم!

.....

آنها تا نگر و توب دارند

مسلل و نارنجک دستی،

از ملاقاتان سخن نگوئیم

و از خاکی بیوستان که

نا حقوق بسیار خوب آمده، اجرای او امرد:

آری، اما که چه؟

آبادمن آنها اینقدر قوی است؟

آنها میگویند باید لحظه ای درنگ کرد

و آنچه را که در او را زگون میشود استوار ساخت،

روزی فرا خواهد رسید، بی زود،

و آنها در خواهد یافت که این همه بیپوده بوده است.

آنها میگویند باید بکنند که "بکنید!"

اما به بولهاشان و به نویهاشان آنها را نجات

خواهد داد!

(برنولت برشت)

رفیق شهید مهدی فتحی در سال ۱۳۳۰ در شهر کرمان متولد شد. وضع خانواده او از لحاظ اقتصادی نسبتاً با ثبات بود و از دوران کودکی در میان توده های ستمدیده تربیت و به هدیه هشت جا که به مردم می و وجود با برابری های جامعه طبقاتی بود. رفیق، تحصیلات دوره دبیرستان را در زادگاه خود به پایان رسانید و در سال ۲۹ به دانشگاه صنعتی تهران (رشته مهندسی صنایع) وارد شد. او در دوران دبیرستان در چندین راه مبارزه با دشمنان مدنی (که در آن زمان در میان جوانان مذهبی در سطح مدارس فعالیت می کرد) اشتغال داشت و حتی در این زمینه با رژیم مبارزه می کند و در این انجمن به فعالیت پرداخت. پس از ورود به دانشگاه، خیلی زود به ما هیت ارتجاعی و فدا انقلابی این انجمن پی پی برده و قاطعانه (همراه با افشاگری) آنرا ترک کرد.

رفیق فتحی از همان ابتدای تبحر خود در مبارزه و سرزمینی آشنا شدن با در دوران توده ها به مبارزه پرداخت و در نظرات و اعتقادات دانشجویی در درون و بیرون دانشگاه شرکت فعال داشت و نقش موثری در سازمان دادن این اعتقادات ایفا نمود. رفیق، در این دوره فعالیت های مخفی خود را از طریق پخش اعلامیه های سازمان مجاهدین خلق و... شروع کرد و سرانجام در سال ۵۲ به عضویت این سازمان درآمد. پس از یک دوره تماس و فعالیت و آموزش به صورت یک عنصر حرفه ای در آنگاه با توجه به وضع مناسب امنیتی اش همچنان علنی ماند و مخفی نشد. رفیق فتحی، در اوایل سال ۵۳ مارکسیسم را بعنوان ایدئولوژی خود پذیرفت و بر فعالیتات سازمانی خود افزود.

رفیق فتحی، مبارزی جدی، منضبط، مهربان و فداکار بود و به آرمان طبقه کارگر عشق می ورزید. اگرچه زندگی اختیاری نیروی و شهادت قهرمانانه اش بهترین معرف برای شخصیت انقلابی او است، ولی یادآوری برخی از خصوصیات و صفات برجسته او بعنوان یکی از مدها و هزاران شهید خون خفته خلق، یادآور شکوه قهرمانی خلق کبیری است که با چنین انسان های والا نی را برای کسب استقلال، آزادی و رهائی از قید استعمار و استثمار، بدون مایه نثار می کنند.

رفیق مهدی یکی از اعضا مدیق بخش منشعب

اعلامیه سازمان اخگر (بخش هرات) درباره کودتای اخیر (افغانستان - بخش هرات)

اعلامیه زیر که از طرف رفقای افغانی
منتشر شده با وجودیکه دارای اشکالاتی در
شکل نگارش است عیناً درج میگردد.

خلق مبارز و بیگانه رجوی افغانستان بخوبی می
داند که شریک جرم و آن نیروی که امروز مزدوران
خود فروخته و وابسته خود را یکی پس از دیگری بنام
های گوناگون از "انقلاب کبیر" گرفته تا "مرحله
جدید" و "مرحله نهایی" و... بقدرت میرسانند،
سویال امیریا لیسیم روس است. آن قدرتی که امروز
چون تازیهای هیتلری به سرزمین افغانستان بیورش
آورده است، همان اربابان و پشتیبانان رژیم
سابق و ادا مدینه جنتا باشد در افغانستان است.
خلقهای مبارز و میهن پرستان!

امروز که رژیم وابسته دوست نشاند برای شهیدان
نشان اشک تصاح می ریزد و اعلام میدارد که:
"رژیم فاشیستی امین دهها هزار زندانی سیاسی را
از روشنفکران انقلابی گرفته تا کارگران و دهقانان
و سایر نیروهای میهن پرست را در کتجه گاه ها و در
دخمه های زندانها بشهادت رسانده است، رژیم فاک
امین که هزاران هزار زندانی بیگانه زنده زنده بگور
کرده است و صدها هزار مردوز و کودک را به زیر
بمباران وحشیانه بقتل رسانده است و دهها بار
زندانش را خالی و پر کرده است توسط شورای انقلابی
بساط آن برچیده شد... (انقل از اعلامیه بیکر کارمل
در مورد زندانیان سیاسی بتاريخ ۱۴ دیماه، بخش
از اادیومکو)

خلقهای ستم دیده، فرزندان و عزیزان توسط
کدام کتجه گران بقتل رسیده اند؟ این "مدها
هزارن و مردود و کودک" سوسله کدام نیروهای نظامی
بمباران شده اند؟ و این "هزاران میهن پرستی که
در دخمه های شمشاد زندانها در زیر بغل و زنجیر از
دست رفته" عا ملین این جنایات چه نیروها شکی
هستند؟... مگر این جنایات را که خودشان اعتراف
میکند در اادیومکو و پرا ودا بیشترانه و با پرروشی
تمام بخش میکنند که دولت شوروی قبلاً با این خواست
کنگ نظامی "پاسخ مثبت داده بودند و همین حقیقت -
الله امین که تا چند ساعت قبل از آمدن و بیورش
نظامی مستقیم بعنوان رژیم "سویال لیستی"، "خلق"
"دمکراتیک" برای آن گلوله باره میکردند، عا ملین
اعلی این جنایات را تشکیل نمیدهند؟ آیا ایشان
شریک جرم این اعمال فاشیستی یعنی "صدها هزار
بمباران شده" و "دهها هزار شهید زیر کتجه" و "هزار -
ان هزار زنده بجا ک سپرده" شده نیستند؟

دولت سویال امیریا لیست روسیه دوست پرور -
دکان داخلی آن در افغانستان و همپا لگیهای
ایرانی شان بهیچ عنوانی نمیتوانند در برابر
خلقهای دلبر میهنها در پیشگاه تاریخ و بالاخره در
مقابل انقلابیون سرسرجان این جنایات تاریخی
و ادا مدینه امروزه آت را توجیه کنند.

خلقهای میهنان بخوبی میداند که تمام شاخه
و پهنه رفتن امیریا لیسیم آمریکا و دیگر نیروهای
امیریا لیستی که سرودا راه انداخته اند و در ارتباط
با رقابت و تقسیم منافع خلقهای جهان با روسیه
امیریا لیستی از در مغالبت وارد میگرددند، سرموشی
به منافع خلقهای زمختن و میهن پرست افغانستان
در ارتباط نداشته و چگونه امیریا لیسیم آمریکا و سایر
نیروهای ارتجاعی که تاریخ مالمال است از
بقیه در صفحه ۱۷

سویال امیریا لیسیم روسیه با حرکت از زاویه
دفاع و پشتیبانی از ماشین باستان منافع خود
چاره ای جز یک بیورش عظیم نظامی و جابجا کردن مهره
های دست نشاند، راهی سراغ ندید. و طبیعتاً است
که این حرکات نمی توانست بر عزم خود شوهم توده
را نسبت به این اعمال برانگیزد، مگر اینکه یکی
از جانبان تبهکار و فاشیست تمام عیار (حقیقتاً الله
امین) را به قربانی گیرد و در عوض مزدور دیگری
که مدتها بود برای چنین روزی نگهداری و حفاظت
می کردیده دستگاهها که وصل کند.

مسئله دیگری که قابلیت تحلیل و تجزیه را دارد
اینست که بخشی از نیروهای مذهبی با سوء استفاده
از عقاید سنتی توده ها و رسیدن به اهداف ارتجاعی
و فساد نقالی توان پیشبرد یک سرگردان زمدت توده ای
را نداشته و اهاه اغان فقط از نیروهای کمونیستی
و انقلابی بوده که با رشد روز افزون و سروامان دادن
به تشکلات و سازمانهای توده ای، چه در عرصه سیاسی
و چه در سطح نهادهای ملحقانه توده ها را به خود
می کشید و هیچ کاه ای این وظیفه تاریخی را که
افشای نیروهای ارتجاعی و شکستن خوشبینی توده
ها نسبت به آنان بود فرا موش نگرفته و نمی کنند.
و همین مسئله رژیم و اربابان روسی آت را هم بخود
آورده و در بافتند که نیروی که رسالت در هم نکتدن
و خرد کردن این ماشین وابسته فاشیستی را از نظر
تاریخی بدوش دارد، سرعت اوج می گیرد و دولت
سویال امیریا لیسیم روس بر عزم خود و با این بیورش
تا ریسیم روسی میخواد جلوی این طغیان توده ای و
انقلابی را بگیرد.

مگر توده ها فرا موش می کنند که همین بیکر
کارمل در اوان استقرار دستگاه حاکم و وابسته روسی
بود؟ مگر تاریخ بیاد ندارد که این سویال فاشیست -
های روسی خود کوزه و کوزه فروش شدند؟ مگر بیاد
ندارند که همین بیکر کارمل بنام کودتای برعلیه
تره کی نوکر سویال امیریا لیسیم روس، مخپور به
شرک قدرت از دستگاه حاکمه گردید؟ حال چگونه و
کنند دولت حقیقتاً الله امین که خود دست نشاند
روسیه بوده و همان یک روز قبل روستا های شمال کشور
توسط هواپیما های روسی و خلبانان آن به آتش
کشیده شد و با همه امکانات از آن دفاع میکردند،
بیکار ره بغا مله چند ساعت فاشیست "شد و بیکر کارمل
شریک جنایات آن "انقلابی" دواشته از آب در آمد
و با اولین هواپیما های نظامی روسی و به تعقیب آن
پنجاده هزار سرباز و... روسی به افغانستان وارد
گردید و به تعقیب آن سویال امیریا لیسیم روس
و قیامانه اعلام کرد که "نظریه معا هده کمک نظامی بین
دولت افغانستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی، برای
مقابله با توطئه امیریا لیسیم به خواست مسردم
افغانستان پاسخ مثبت داده است". حال مردم میهن -
پرست ما به چه شکل باور کنند که این دولت با ملاح
نگه بان ملج و سویال لیسیم، پاسخ مثبت به یک رژیم
فاشیستی در ارتباط به فرستادن نیرو به افغانستان
میدهد و از همه و قیامانه تریا اینکه این معا هده مربوط
به کمک نظامی را که به رخ دیگران میکند، مگر با چه
نیرویی بسته است؟ مگر همین حقیقتاً الله امین از
سرمداران و مفا کنندگان ستم میهن فروشی نیست؟

رفقا، دوستان و انقلابیون واقعی!
را دیود و شنیدیم دیما خیرا شغال نظامی
میهن ما، افغانستان را بوسله ارتش مهاجم و
فاشیستی روسیه امیریا لیستی بخت کرد.

خلقهای میهنان بیکار ره در مقابل این پرست
فرا گرفتند که علیرغم موجودیت هزاران مستشار
نظامی روس، علیرغم بمباران شهرها و روستا ها
توسط خلبانان و هواپیما های روسی (بمباران
شهر هرات و...)، علیرغم وابستگی کامل رژیم
فاشیستی حقیقتاً الله امین به سویال امیریا لیسیم
روسی و بالاخره تحریف و تمجید رژیم دشمنان میهن
توسط رسانه های خبری سویال امیریا لیسیم و دیگر
وابستگان خارجی آن برای دولت سویال فاشیستی
افغانستان و... چرا سویال امیریا لیسیم روس
به این هم اکتفا نوریذیده و به بیورش فاشیستی و مستقیم
خود افغانستان را قبضه کرد؟

کمونیستها و انقلابیون واقعی اند که با تحلیل
همه جانبه و ارتباط دادن ارگانیک مسائل به یک -
دیگر با پدید خلقهای میهنان پاسخ دهند و ایا
اها را دریابند.

در طی یکسال و اندکی از کودتای ۷ ششور
(هفتم اردیبهشت ماه) ۱۳۵۷ می گذرد، دقیقاً اگر
به برنا مه ها و کارنامه این مدت که در افغانستان
زیر عمایا و قیای "ترقیخواهان" صورت پذیرفته است،
نظر اندازیم چیزی نبوده است مگر به سلطه در آمدن
تمام شریکهای اقتصادی، نظامی، سیاسی و
اهداف توسعه طلبانه سویال امیریا لیسیم روسیه
روسیه، سی ریزی کودتا، وابستگی رشته های گذشته
را مستحکم تر و دستگاه حاکمه را به تمام معنی به
عنوان یک عمل کننده و فرمانبردار سویال امیریا
لیسیم روس در آورد.

وظیفه نیروهای انقلابی است که هیچ زمانه
تحلیل و کاروانه روی یک طرف قضیه انجام نداده
بلکه تمام جوانب قضا را با مویه مونگا فته و نتایج
مورد نظر از آن استنتاج نمایند. گناه و چه
بسا خائنان است که منافع خلق و جنبشمان را فراموش
نموده، کار برد و استراکتور (ساخت - بیکار) نیرو -
های دیگر را که هیچ ربطی به منافع خلق نداشته
مون تحلیل و بررسی خود قرار دهند.

با روی کار آمدن حزب "خلق" وابسته و پرورش
یافته سویال امیریا لیسیم روس افزایش و فزونی
گرفتن اعتراضات و نارضایتی خلقهای افغانستان
که همه روزه با آت آن گسترده تر و مشکل خرمی شد،
و گاهی سوزید و در این او خرد همه ها حات بشکستل
مبارزات ملحقانه تریا رز کرده بود، موج وسیع
اعتراضات، اعتصابات و جنبش های ملحقانه و...
از یک طرف و تشکله گاه ها، پرشدن زندانها از
مبارزین و انقلابیون، اقتصاد وابسته و ورز کتسته
از طرف دیگر، بیانگران بود که هیات رژیم کودتا
و دست نشاند، چنانی باقی نمانده، و ایا
جنبشهای میرفت تا طومار فاشیستی، همراه با
دستگاه و فرماندهان یعنی سویال امیریا لیسیم را
در افغانستان درهم پیچد، اینکه تها و زوتها جم از
خماش بر جسته امیریا لیسیم بوده، امیریا لیسیم
بهیچ قانون و روندی که سد در مقابل این تجاوزات
فرا گرفته باشد، از نظر تاریخی و سرشت طبقاتی با
آن به سر بردار داشته و با جنگ و دندان از منافع خود
و وابستگان داخلی شان حمایت میکند، و زمانه
که منافع آن حکم کند، حتی پرورش بافتن دست
خودش را هم قربانی منافع آت مدانه خودش مینماید.

خلق افشای اسناد رژیم سابق را میخواهد آقای چمران دستور بدهد تا بودی آنها میدهد

دارای بیشترین تعداد دفا ردهای سری نظامی با آمریکا است. نیروی هوایی زمان شاه در رابطه با سرکوب خلق ظفار و سبایان زن و کودکان و انقلاب بین عماتی دارای اسنادی شمار است. نیروی هوایی زمان شاه در رابطه با وابستگی سران و فرماندهان آن به امپریالیسم و دربار شاهنشاهی دارای اسناد زیادی است و... بهمن علت چمران این سرپرده امپریالیسم آمریکا از ترس دستبازی خلق و نظامیان مبارزه این اسناد تصمیم گرفته آنها را از بین ببرند برای این کار حجم زیادی از اسناد را بهایه فرار داده است.

در قسمتی از این دستور العمل گفته میشود: از امضاء هرگونه اسناد مالی و کیفری شدیداً خودداری شود اما مگر از نظرات آقایان قرار دهای نظامی و اسناد و اطلاعات مربوط به مستشاران آمریکایی مالی یا کیفری است؟! از نظرات این مگر رابطه با امپریالیسم آمریکا و دربار شاهنشاهی چو چو به آنها جرمی کیفری است؟ مگر میماند خلق ظفار جرم است؟! و...

هیئت حاکمه همچنان در مقابل خواستهای مردم بافتاری میکند. افشای اسناد و مدارک خیانت رژیم سابق و انتشار رلیست ها و اکی ها و دیگر مزدوران امپریالیسم در ارگانهای دولتی یکی از این خواستهاست. گوشتی هیئت حاکمه وظیفه خود می داند که این اسناد و مدارک را تا آنجا که میتواند پنهان و پنهان نگه دارد و پنهان نگه دارد و پنهان نگه دارد.

سندی که ملاحظه می کنید مربوط میشود به از بین بردن اسناد و پرونده های سالهای گذشته در نیروی هوایی که پیش از همه تحت تسلط نفوذ امپریالیسم آمریکا بوده است. هیئت حاکمه که در مقام مسئول فضا روز افزون شده ها خود را ناگزیر از افشای این اسناد و مدارک می بیند. چاره کار را در زمین پرور آنها یافته است. بی شک این یک سرهنگ ۲ نیست که دستورنا بودی اسناد را می دهد بلکه و مجری دستورات آقای چمران و سر دفاع و شاکر (رئیس ستاد سابق) و دیگر فرماندهان حاکمی امپریالیسم آمریکا است. نیروی هوایی زمان شاه در رابطه با نقش زاندار می ایران در خلیج و خرید سلاحهای مدرن از آمریکا

نظامیان مبارز در ارتش چه می کنند؟

در یادگان نیروی پایداری ذوب آهن امفیان حدود ۱۵۰ دیلم وظیفه را برپای گرفته اند. فرماندهان مزدور در این یادگان نیز هستند. تمامی یادگان تلاش میکنند تا شورش مبارزان را این جوانان را به بند بکشند و با انواع و اقسام شکنجه ها و شکنجه ها زندانها را پر از زندانیان کنند. به طور مثال از تماس دیلمه های وظیفه را برپایان عادی جلوگیری می کنند. آنها را به دو قسمت کرده و سعی در ایجاد دیدنی بین دو قسمت می نمایند. بطریق مختلف میکوشند از آنها زهر چشم بگیرند... اما دیلمه های وظیفه نیز بیکار نمی نشینند و در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۴ در اعتراض به وضع غذا اعلام تحن (عدم شرکت در برپا می آموزش یادگان) (اعتصاب غذا) (نخوردن غذای یادگان) می نمایند. فرمانده مزدور یادگان فوراً دستور می افتد و کوشش میکند با وعده و وعید دیلمه ها را رامی نماید و سرانجام نیز بدلیل فقدان رهبری و عدم آگاهی لازم، مبارزان دیلمه با اعلام قطع نامه ای که در زیرمطالعه میکنند به اعتصاب خود پایان می دهند:

- ۱- ایجاد گفتگو با فرماندهان یادگان
- ۲- ایجاد کلاسهای ایدئولوژیک
- ۳- شرکت نمایندگان دیلمه های وظیفه در شورای پرسنل درجه داران.
- ۴- منع هرگونه اهانت و تنبیه روحی و جسمی و ایجاد محیط آزاد برای آموزش.
- ۵- نظارت بر مبارزان بر روی خرید اجناس و مصرف اجناس در یادگان (مثلاً مواد غذایی، پوشاک)
- ۶- فراهم نمودن وسایل رفاهی از قبیل: غذای مناسب، حمام، موبایل، بهداشتی، بخاری کافی، تلویزیون و روزنامه.
- ۷- محدود نمودن دخالت افسران و درجه داران غیر مسئول در امر آموزش دیلمه های وظیفه.

درجه داران نیروی هوایی چون کوه پشتیبان نمایندگان خود هستند

خبرهای رسیده از لشکر زرهی ۹۲ هوازحاک از آنست که پرسنل مبارزان لشکر همچنان به مبارزه خود بر علیه مزدورانی که در اسارت قرار گرفته و میخواهند همان نظم شاهنشاهی را مجدداً احیا نمایند، ادامه داده و بخصوص بر روی تعطیلی پنجشنبه ها و تشکیل شورا های یادگان با فشار می نمایند. طی همین چند ماهه اخیر بارها نمایندگان پرسنل انقلابی مورد آزار و کاه حتی بازداشت قرار گرفته اند و یکبار چهره رفرانها بنا میهای سرگرد پرویز شعار، ستوان یکم امیری، گروهان یکم دستی و گروهان یکم ترکی دستگیر و به تهران فرستاده شدند و اعتراض یکبار چهره پرسنل لشکر نسبت به این اقدام فداکاری رژیم را مجبور به آزادی زندانیان کرد.

از: ستاد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (دبیرخانه - کک اداری)

به: فهرست گیرندگان یکم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

موضوع: اجرای آئین نامه امحاء اوراق زائد

تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۲۷

پیش شماره های ۷-۳۸/۲-۲۰۴-۲۹/۵-۵۸ و ۵۸/۹/۳-۲۰۴-۳۸/۲-۵۰

۱- باتوجه باینکه دستور امحاء اسناد و پرونده های سالهای گذشته یگانها و سازمانهای نیروی هوایی طی نامه های پیروی شماره بالا به کلیه یگانها و سازمانها ابلاغ گردیده است. علیهذا فرماندهان یگانهای مربوط موظف به رعایت نکات زیر میباشند.

الف- در انتخاب اعضا کمیته های تفکیک و امحاء اوراق زائد وقت کافی مبذول داشته که افسران انتخاب شده هیچگونه سوابق سوئی نداشته و معتقد و مومن به انقلاب اسلامی ایران باشند.

ب- نظریات امحاء اسناد مالی و کیفری جزو اختیارات آئین نامه فوق الذکر نمی باشد علیهذا مستدعی است مقرر فرمائید اعضای کمیته های تفکیک آن سازمان از امحاء هرگونه اسناد مالی و کیفری شایسته خودداری نمایند.

۱- اعضا کمیته های تفکیک میتوانند اسناد و پرونده های عادی که زمان نگهداری آنها برابر آئین نامه بایگانی موضوعی خاتمه یافته باتوجه به مفاد نامه های پیروی شماره فوق و همچنین آئین نامه مذکور امحاء نمایند و صورتجلسات مربوطه را باین دبیرخانه ارسال دارند.

سرپرست دبیرخانه ستاد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

سرهنگ ۲ خلیان جلالی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست